

فصل دوم: فاجعه منا از منظر حقوق کیفری

◀ دکتر محمدخلیل صالحی^۱ با همکاری خانم زهرا باقری^۲

حادثه مرگبار منا در ۲ مهر ۱۳۹۴ ه.ش، همزمان با عید قربان به وقوع پیوست که بر اساس آمارهای منتشر شده، منجر به کشته شدن جمع کثیری از حجاج بیت الله الحرام شد و متأسفانه سهم ۲۰ درصدی کشور ما (با وجود سهم ۳ درصدی حجاج ایرانی از کل حجاج^۳) از این فاجعه دردناک، کشور را در بهت و ناباوری فرو برد. همان طور که می‌دانیم سالانه نزدیک به چند میلیون زائر در مراسم حج وارد کشور عربستان می‌شوند و از آنجا که سهمیه کشورها را دولت عربستان تعیین می‌کند و اتباع کشورها با روادید رسمی عربستان و همچنین در حد سهمیه‌های مجازی که دولت عربستان سعودی اعلام کرده، وارد کشور عربستان شده‌اند، دولت عربستان باید امکانات و تمهیدات لازم را برای آرامش و امنیت این تعداد زائر پیش‌بینی کند و اگر نمی‌تواند تأمین کند، نباید این تعداد از حجاج را بپذیرد. تجربه برگزاری سالانه مراسم حج در عربستان و به ویژه مراسم رمی جمرات که

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم.

۲. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم.

۳. لیست جان‌باختگان ایرانی حادثه منا، پایگاه خبری سازمان حج و زیارت، اکتبر ۲۰۱۵ میلادی. (www.haj.ir)

معمولاً با ازدحام حجاج مواجه است، دولت عربستان را در موقعیتی قرار می‌دهد که نمی‌تواند منکر پیش‌بینی نکردن چنین وضعیتی شود؛ ولی در حال حاضر تا قبل از بررسی دقیق این مسئله و مشاهده فیلم‌ها و شواهد مستند و قبل از تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، نمی‌توانیم بگوییم که آنچه در منا رخ داد، یک جنایت عمدی و برنامه‌ریزی شده بود؛ اما بی‌تردید حادثه اندوه‌بار منا، از بی‌تدبیری و سوء مدیریت مسئولان دولت عربستان سعودی در اجرا و نظارت صحیح بر اعمال مناسک حج نشأت گرفته است. در نتیجه وجود تقصیر و سهل‌انگاری سعودیان در ایجاد و تشدید این کشتار دسته‌جمعی، امری محرز و آشکار است و این امر موجب ایجاد مسئولیت برای دولت عربستان خواهد بود. از آنجا که متأسفانه حوادث ایام حج در عربستان سعودی محدود به امسال و حادثه منا نبوده است و احتمال تکرار آن در سال‌های آینده نیز دور از ذهن نیست، دولت جمهوری اسلامی ایران باید این مسئله را از لحاظ حقوقی دنبال کند و نباید اجازه دهد که با طرح مسائل فرعی، اصل قضیه فاجعه منا فراموش شود؛ چراکه متأسفانه برخی نهادها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی سعودی با همراهی امپراتوری رسانه‌ای غربی با شتابزدگی مفرط و اقدامی عجولانه نسبت به قلب واقعیت و به انحراف کشاندن افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی، وارد صحنه تبلیغات شده‌اند.

در این مقاله سعی شده است که پس از بررسی واقعیت فاجعه و گستره آن، به معرفی جغرافیای منا، محدوده وقوع حادثه و محیط پیرامونی آن و سپس به بررسی فاجعه منا و علل وقوع آن پردازیم. در ادامه نیز این مسئله را بررسی خواهیم کرد که آیا می‌توان جان باختن جمع کثیری از حجاج در فاجعه منا را قتل (اعم از عمدی یا غیر عمدی) محسوب کرد؟ در پایان نیز صلاحیت محاکم ایران را در خصوص رسیدگی به جنایات واقع شده در منا مورد مذاقه قرار می‌دهیم و به بیان شرایط تعقیب و محاکمه مسببان این حادثه می‌پردازیم.

گفتار اول: نگاهی به واقعیت و گستره فاجعه منا

در دوم مهر ۱۳۹۴ ه.ش، برابر با ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی و دهم ذی‌الحجه ۱۴۳۶ ه.ق، همزمان با عید قربان، در مراسم رمی جمرات در خیابان ۲۰۴، نزدیک تقاطع آن با خیابان ۲۲۳ در منطقه منا در شهر مکه، فاجعه تأسف بار منا رخ داد که در پی آن، بیش از ۵۰۰۰ تن از حجاج عزیز بیت الله الحرام کشته و مجروح شدند.^۱

یکی از منابع خبری آگاه فاجعه منا را این‌گونه گزارش می‌کند:

کشتار یا فاجعه یا تراژدی یا هر نامی که بر آن بگذاریم، نام خیابان ۲۰۴ یا خیابان جدید را به خیابان مرگ تغییر داد... نیروهای امنیتی کلیه راه‌های منتهی به اماکن امن را بستند و فقط مسیرهایی را باز گذاشتند که به خیابان مرگ منتهی می‌شد.

در نتیجه فوج جمعیت حجاج ورودی از مزدلفه به مقصد جمرات با فوج جمعیت حجاج در حال بازگشت از جمرات از مسیر این خیابان در ساعت ۸/۳۰ دقیقه با هم برخورد کردند... که علت وقوع آن هدایت غلط توده‌های جمعیت و ناهماهنگی بین نیروهای ذی‌ربط بود؛ زیرا آنها فقط معابر منتهی به خیابان مرگ را باز گذاشتند تا هزاران نفر از حجاج پس از راهپیمایی چهار ساعته زیر آفتاب سوزان از مزدلفه به مقصد منا برای رمی جمرات، با مرگ مواجه شوند. هزاران نفر بر اثر تشنگی و خفگی جان باختند و فریادهای آنها ظرف نیم ساعت به سکوت مرگبار تبدیل شد.

دیدگاه‌های متناقضی در مورد علل وقوع این فاجعه مطرح شده است، ولی اغلب آنها حکایت از آن دارد که تمامی معابر به استثنای خیابان مرگ بسته بود... نیروهای امنیتی سعودی، حجاج را به سوی این خیابان هدایت می‌کردند. حتی پس از اطلاع یافتن از شروع جان باختن حجاج، صفوف جلویی بر اثر فشار متقابل و تدافع جمعیت، باز هم تمامی راه‌ها و مسیرها، جز خیابان مرگ بسته ماند و نیروهای امنیتی، سخنی جز «این راه بسته است؛ از اینجا بروید»، نمی‌دانستند.

1. www.Wikipedia.encyclopedia

کلیه معابر بین چادرها بسته بود و فقط حجاج مکتب مربوطه می‌توانستند وارد شوند و دیگران چاره‌ای جز مردن نداشتند.... نیروهای حمایت مدنی بعثه حج الجزایر، نخستین کسانی بودند که وارد صحنه شدند تا افراد گرفتار حادثه را نجات دهند؛ ولی مصیبت، بسیار بزرگ‌تر از دخالت ۵۰ یا ۱۰۰ نفر از نیروهای حمایت مدنی بود و هزاران نفر از حجاج، مقابل دیدگان دیگران بر اثر تشنگی و خفگی جان دادند که نمونه آن حتی در فیلم‌های رعب و وحشت دیده نشده است.

طبق اظهارات شاهدان عینی، نیروهای حمایت مدنی بعثه حج الجزایر، توانستند ده‌ها نفر از حجاج بین مرگ و زندگی را نجات دهند. هرج و مرج عجیبی حکم‌فرما بود و اجساد جان‌باختگان بر روی زنده‌ها سنگینی می‌کرد؛ به طوری که بیرون کشیدن افراد زنده از لابه‌لای اجساد جان‌باختگان یا تشخیص دادن افراد بیهوش از مردگان، بسیار دشوار بود. بر اساس اظهارات شاهدان عینی، همه کسانی که در این خیابان حضور داشتند، جان باختند و فقط کسانی که خود را به چادرها رساندند یا به آنها کمک شد، جان سالم به در بردند.

تعدادی از شاهدان عینی از حجاج الجزایری، مصری و سودانی اظهار داشتند قربانیان این حادثه نزدیک به ۲ ساعت، بدون دسترسی به آب در معرض تابش شدید خورشید قرار داشتند و بر اثر فشار جمعیت، دچار خفگی شدند و یکی پس از دیگری بر زمین افتادند. در این وضعیت افراد قوی بر دوش افراد ضعیف و ناتوان بالا می‌رفتند تا از نرده‌های آهنین حفاظ چادرها بالا بروند. اصرار و لجبازی نیروهای امنیتی عربستان در بسته نگه داشتن ورودی‌ها و خروجی‌های اضطراری، مزید بر علت بود و حتی نیروهای امنیتی از باز کردن خیابان‌های دیگر که می‌توانست موجب نجات حجاج شود، خودداری کردند. جمعیت حجاج همچنان درهم فشرده می‌شدند.... حجاج نه راه به جلو داشتند و نه به عقب، لذا به دو طرف خیابان یعنی چادرهای حجاج الجزایری و مصری هجوم آوردند، ولی تلاش آنها بیهوده بود؛ زیرا منطقه‌ای به وسعت ۲۰۰ متر در ۱۰ متر، گنجایش این همه جمعیت را نداشت و هزاران نفر ظرف چند ثانیه جان باختند.

هنگامی که ورودی‌های چادرها با تأخیر و دیر هنگام باز شد و ای کاش باز نمی‌شد، حجاج حاضر در صحنه، به ویژه حجاج نزدیک به ورودی‌ها، به یک‌باره خود را از دست دادند و بسیاری از آنها بیهوش شدند و بر زمین افتادند؛ تا به معبر و نردبانی تبدیل شوند برای حجاجی که در اطراف ورودی‌های چادرها فشار می‌دادند تا خود را به چادرها برسانند. در چنین شرایطی گشودن ورودی‌ها، دیگر برای نجات حجاج کارساز نبود و فقط برای جداسازی مصدومان از میان انبوه اجساد لازم بود. مدتی پس از پایان یافتن فاجعه، نیروهای دفاع مدنی و نیروهای واکنش سریع عربستان وارد صحنه شدند.

... اجساد جان‌باختگان حادثه در ورودی‌ها و راهروهای چادرهای حجاج الجزایری پراکنده بود. این اجساد متعلق به حجاجی بود که توانسته بودند خود را به چادرها برسانند، ولی به دلیل نبودن خدمات درمانی اورژانسی و دیر رسیدن آمبولانس‌ها، جان سپردند. با توجه به اینکه اعزام آمبولانس‌ها به محل وقوع حادثه با تأخیر صورت گرفت، برخی از مصدومان توسط حجاج الجزایری، مصری و دیگران با ویلچر به بیمارستان‌ها منتقل شدند. در بازدید از درمانگاه‌ها که پس از حادثه صورت گرفت، هنوز اجساد مصدومانی پراکنده بود که پس از انتقال به درمانگاه، جان سپرده بودند. اغلب مصدومان دچار نفس‌تنگی، شکستگی استخوان و آفتاب‌زدگی شده بودند.^۱

این فاجعه در حالی رخ داد که سهم جمهوری اسلامی ایران در میزان قربانیان حادثه منا بیش از سایر کشورهای دیگر بود؛ زیرا طبق آخرین آمار انتشار یافته، تعداد ۴۶۱ نفر از قربانیان، از اتباع ایرانی بودند و تعداد زیادی نیز از حجاج ایرانی مجروح شدند.^۲

۱. گزارش خبرنگار شبکه تلویزیونی «النهار الجديد» الجزایر که تحت عنوان «منا... هنا مات مئات الحجاج في رمشه عين» یا «اینجا مناست... جایی که صدها نفر در یک چشم به هم زدن جان باختند»، در مورد فاجعه منا در سایت رسمی شبکه مذکور در تاریخ ۲۵/۹/۲۰۱۵م منتشر شد.

۲. لیست جان‌باختگان ایرانی حادثه منا، پایگاه خبری سازمان حج و زیارت، اکتبر ۲۰۱۵م.

آمار جان باختگان و مفقودان حادثه منا بر اساس اعلام مراجع رسمی و رسانه‌ای

کشورهای آسیب‌دیده

منابع رسانه‌ای	منابع رسمی	مجروحین	مجموع کشته و مفقود	مفقودان	کشته‌ها	کشور	ردیف
	سازمان حج و زیارت	۱۵۹	۴۶۴		۴۶۱	ایران	۱
	وزارت امور مذهبی	۴	۳۴۱	۲۷۱	۷۰	مالی	۲
	کمیسیون ملی حج	۷۱	۳۱۶	۲۴۱	۷۵	نیجریه	۳
	وزیر اوقاف و رئیس بعثه	۱۷	۲۳۴	۹۶	۱۳۸	مصر	۴
	کنسول در جده	۶۳	۱۹۱	۱۴۰	۵۱	بنگلادش	۵
	وزارت امور دینی	۱۰	۱۷۷	۸۲	۹۵	اندونزی	۶
	وزارت خارجه		۱۵۳	۱۴۰	۱۳	اتیوپی	۷
	وزیر خارجه هند		۱۳۶	۷۸	۵۸	هند	۸
	وزارت امور مذهبی	۷	۱۳۶	۶۰	۷۶	پاکستان	۹
	کمیته نظارت	۳۹	۱۱۷	۸۹	۲۸	نیجر	۱۰
گردن‌پابلیک			۱۰۱	۹۰	۱۱	بنین	۱۱
	سرکنسول در جده		۹۷	۵۵	۴۲	کامرون	۱۲
خبرگزاری فرانسه			۹۱	۷۷	۱۴	ساحل عاج	۱۳
	وزارت خارجه		۶۸	۵۴	۱۴	الجزایر	۱۴
	رئیس کمیسیون پزشکی در عربستان	۴	۶۳	۴۹	۱۴	سنگال	۱۵
	وزارت خارجه		۴۴	۳۷	۷	تانزانیا	۱۶
	دفتر امور حجاج مغرب	۸	۳۸	۱۹	۱۹	مغرب	۱۷
	بعثه حج سودان	۱۳	۲۹	۲۰	۹	سودان	۱۸
خبرگزاری فرانسه			۲۶	۲۱	۵	غنا	۱۹
	سخنگوی بعثه تونس	۶	۱۸		۱۸	تونس	۲۰
	کمیته حج		۱۷	۷	۱۰	لیبی	۲۱
	وزارت خارجه		۱۴	۶	۸	کنیا	۲۲

خبرگزاری فرانسه			۱۱		۱۱	چاد	۲۳
	فدراسیون ملی مسلمانان		۱۱	۵	۶	میانمار	۲۴
خبرگزاری آناتولی	رئیس سازمان دیانت ترکیه	۸	۹	۵	۴	ترکیه	۲۵
خبرگزاری فرانسه			۸		۸	سومالی	۲۶
رادیو دری هرات: ۶۰ کشته و ۷ مفقود	بعثه حج افغانستان		۸	۶	۲	افغانستان	۲۷
خبرگزاری APA			۷	۶	۱	بروندی	۲۸
	هیئت حج عراق	۱	۶	۵	۱	عراق	۲۹
	وزیر امور مسلمانان		۵	۳	۲	جیبوتی	۳۰
	وزارت خارجه چین		۴		۴	چین	۳۱
	وزیر اوقاف و امور اسلامی		۳	۲	۱	اردن	۳۲
	وزارت امور خارجه فیلیپین		۱		۱	فیلیپین	۳۳
	سازمان حج و وزارت دینی		۱		۱	مالزی	۳۴
BBC			۱		۱	انگلیس	۳۵
خبرگزاری فرانسه			۱		۱	هلند	۳۶
خبرگزاری فرانسه			۱		۱	بورکینافاسو	۳۷
	کنسول در جده	۱	۱	۱		لبنان	۳۸
	بعثه عمان	۵	۱	۱		عمان	۳۹

بدون شک آنچه در منا رخ داد، دلخراش‌ترین و مرگبارترین رویداد تاریخ حج بود که موجب شد جمع کثیری از حجاج کشته شوند. کشتاری که عید مسلمانان را به عزا تبدیل کرد و هنوز هم تعداد واقعی قربانیان آن مشخص نشده است.^۱

۱. طی مراسم حج در مکه، وقایع مرگبار دیگری نیز رخ داده است. برای مثال واقعه سال ۱۹۹۰م، دیگر حادثه حج با بیش از هزار کشته بود که در آن ۱۴۲۶ زائر جان باختند. رویداد سال ۱۹۹۰م هم در مسیر رمی جمرات اتفاق

گفتار دوم: جغرافیای منا و محل وقوع حادثه

منا در دره‌ای محصور بین سلسله کوه‌های شرق مکه قرار دارد. طول آن بالغ بر ۴۱۰۰ متر و عرض آن ۷۰۰ متر، قابل استفاده بوده و مابقی را کوه‌های صعب‌العبور به ارتفاع ۵۰۰ متر تشکیل داده‌اند.

هر ساله حجاج، صبح روز عید از مزدلفه عازم منا می‌شوند و برای رسیدن به جمرات با گذشتن از یکی از خیابان‌های ذیل، به ترتیب از غرب به شرق، به جمرات می‌رسند:

۱. جاده شماره ۲۸ یا طریق ملک عبدالعزیز.
۲. خیابان شماره ۴۴ یا طریق ملکی (جاده کاخ سلطنتی) که یک جاده اختصاصی است.
۳. جاده شماره ۵۰ یا طریق ملک فیصل.
۴. جاده شماره ۵۶ یا طریق الجوهره.
۵. جاده شماره ۶۲ یا سوق العرب.
۶. خیابان شماره ۲۰۴ یا شارع الجدید به طول بیش از ۲/۵ کیلومتر و عرض کمتر از ۲۰ متر که از پایین ربوه الحضارم شروع شده و تا جمرات ادامه دارد. این خیابان با خیابان‌های ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹ و ۲۲۳ تقاطع دارد. به گفته سخنگوی رسمی وزارت کشور عربستان، این خیابان یک خیابان داخلی مناست و از مزدلفه شروع نمی‌شود.
۷. خیابان شماره ۲۰۶ که به خیابان ۲۲۳ ختم می‌شود و خیابان ۲۲۳ که از سمت راست به مجموعه پل‌ها، جاده ملک فهد و جاده ۱۵ و تونل‌های آن و از سمت چپ به خیابان ۲۰۴ منتهی می‌شود.
۸. جاده شماره ۶۸ یا طریق ملک فهد به طول بیش از ۳ کیلومتر که به طبقه اول پل جمرات متصل است.

افتاد. رمی جمرات چندین بار دیگر نیز چندصد کشته به جا گذاشته است؛ از جمله در سال ۲۰۰۶م، بیش از ۳۶۰ نفر از حجاج بر اثر ازدحام جمعیت، هنگام اجرای مراسم رمی جمرات کشته شدند. (حوادث مرگبار در مراسم حج روی خط زمان)، BBC PERSIAN ۲۰۱۵/۹/۱۵م.

بخش عمده حجاج از خیابان‌های جوهره و سوق العرب و تعداد کمتری از آنها از خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۰۶، عازم پل جمرات می‌شوند. این خیابان‌ها توسط تعدادی خیابان عرضی به یکدیگر متصل‌اند؛ از جمله خیابان ۲۲۳ که دو خیابان ۲۰۶ و ۲۰۴ را به هم وصل می‌کند. طول این خیابان بیش از ۲۰۰ متر و عرض آن کمتر از ۱۵ متر است و حجاج، پیاده از سمت خیابان شماره ۶۸ یا طریق ملک فهد، از جهت مجر الکبش در نزدیکی جمرات، وارد آن می‌شوند و سپس به خیابان‌های ۲۰۶ و ۲۰۴ می‌روند که آنها را قطع می‌کنند.

۱. مشخصات پل جمرات

طول پل: ۹۵۰ متر.

عرض پل: ۸۰ متر.

تعداد طبقات: در حال حاضر ۵ طبقه (ولی به گونه‌ای طراحی شده است که در آینده به ۱۲ طبقه افزایش یابد).

ارتفاع هر طبقه: ۱۲ متر.

تعداد ورودی‌ها: ۱۱ ورودی.

تعداد خروجی‌ها: ۱۲ خروجی

ورودی‌ها و خروجی‌ها در چهار جهت پل احداث شده است تا جمعیت در چهار جهت پراکنده شوند. همچنین تعدادی خروجی اضطراری برای تخلیه حجاج هنگام بروز شرایط فوق‌العاده در نظر گرفته شده است که از یک طرف به خروجی‌های پیش‌گفته و از طرف دیگر به ۶ برج تخلیه اضطراری متصل به طبقه همکف و محل فرود بالگردها منتهی می‌شوند. برای ورود به محوطه پیرامونی پل جمرات، ۳ مسیر در سمت جنوب و سه مسیر در سمت شمال منطقه جمرات در نظر گرفته شده است.

تونل‌ها: تعدادی تونل زیرزمینی برای انتقال حجاج، یک تونل خدمات‌رسانی، تونل

ویژه تردد خودروها و تعدادی تونل دیگر که کاربرد آنها اعلام نشده است؛ ولی یکی از آنها ویژه تردد مقامات و میهمانان بلندپایه است. دهانه اصلی ورودی تونل‌ها در مسیر شماره ۱۵ و نزدیک پل ۱۵ قرار دارد که بالاتر از خیابان‌های ۲۰۶ و ۲۲۳ است. طبق محاسبات به عمل آمده، ساختمان پل جمرات، هر ساعت گنجایش ۳۰۰/۰۰۰ زائر می‌کننده را دارد که باید به طور مساوی بین طبقات پل جمرات توزیع شوند و در تنظیم برنامه و طرح عملیاتی مدیریت توده‌ها، این ظرفیت مد نظر قرار می‌گیرد.

۲. موقعیت چادرهای حجاج ایرانی

چادرهای حجاج ایرانی در منطقه‌ای به نام ربوه الحضارم (یا تپه حضرمی‌ها منسوب به حضر موت یمن) قرار دارد که به آن منطقه ۴ الربوه نیز گفته می‌شود. یکی از مسیرهای اصلی ورودی از مزدلفه به منا از این منطقه می‌گذرد. چادرهای حجاج ایرانی در سمت غرب خیابان اصلی ربوه، معروف به خیابان شماره ۴۰۶ قرار دارد و در شرق آن علاوه بر چادرهای حجاج ایرانی، چادرهای حجاج آفریقایی قرار گرفته است. با توجه به اینکه منطقه ربوه روی تپه قرار گرفته و با خیابان‌های جوهره، سوق العرب و ۲۰۴ اختلاف سطح دارد، در نتیجه دو زیرگذر (یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ) و مجاور چادر مقرر اصلی مؤسسه مطوفین حجاج ایران، برای تردد حجاج به خیابان‌های پیش‌گفته احداث شده است. اما ورودی اصلی خیابان الربوه به پل ملک عبدالله توسط یک در میله‌ای و فنس‌دار بزرگ بسته شده است که فقط در برخی موارد با مجوز نیروهای امنیتی سعودی بر روی عابران یا تردد خودروها باز می‌شود. در سمت مقابل زیرگذر مزبور، زیرگذر دیگری است که در مجاورت آن ایستگاه دفاع مدنی عربستان قرار دارد. ناگفته نماند در موسم حج ۱۳۹۴ هـ ش، نیروهای امنیتی، حجاج را به سمت زیرگذر شرقی یا سمت راست، به خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۰۶ منتهی به پل جمرات سوق می‌دادند و فقط در فرصت اندکی آن هم به صورت محدود، اجازه عبور از زیرگذر غربی (سمت چپ) داده می‌شد و این زیرگذر بیشتر به حجاج برگشتی اختصاص داشت.

هنگامی که حجاج از زیرگذر شرقی (راست)، وارد مسیرهای منتهی به جمرات می‌شوند، در سمت راست آنها خیابان ۲۰۶ و در سمت چپ خیابان ۲۰۴ و با فاصله بیشتری خیابان‌های سوق العرب و جوهره قرار دارد. همچنین حجاجی که از زیرگذر غربی (سمت چپ)، وارد مسیرهای پیش‌گفته شوند، در سمت راست آنها خیابان ۲۰۴ و در سمت چپشان خیابان بن‌بست فرعی (بین ۲۰۴ و سوق العرب) قرار می‌گیرد که در میانه راه به بن‌بست می‌رسد و از طریق یک خیابان فرعی به خیابان ۲۰۴ متصل می‌شود. بعد از آن خیابان‌های سوق العرب و جوهره قرار دارند. مأموران پلیس عربستان در مبادی ورودی خیابان‌های منتهی به جمرات مستقر بودند و به صلاحدید، خود حجاج را به این یا آن خیابان هدایت می‌کردند یا راه ورود حجاج را می‌بستند. خیابان‌های سوق العرب و جوهره به طبقه همکف پل جمرات، خیابان ۲۰۶ به طبقه اول پل جمرات و خیابان ۲۰۴ به طور مستقیم به طبقه اول و غیر مستقیم به طبقه همکف دسترسی دارند.^۱

الف) طرح عملیاتی کنترل منا

مراسم حج امسال در شرایطی برگزار شد که چند سالی است که دولت عربستان سعودی با شرکت صهیونیستی - انگلیسی G4S که ید طولایی در شکنجه، نقض حقوق بشر و جاسوسی دارد، توافق محرمانه‌ای به منظور برقراری امنیت دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره، آن هم طی موسم حج به امضا رسانده است. شرکت G4S (Group 4 securicor)، یک شرکت امنیتی بریتانیایی و چند ملیتی است که از آن به عنوان «ارتش ویژه» در جهان یاد می‌شود و دفتر مرکزی آن، در شهر کراولی بریتانیا قرار دارد. شرکت G4S با در اختیار داشتن ۶۵۷ هزار پرسنل، سومین کارفرمای بزرگ خصوصی جهان، پس از شرکت‌های وال مارت و فاکس‌کان است. این شرکت همچنین

۱. مستندات فاجعه منا، ارسالی حوزه روابط عمومی سازمان حج و زیارت، ۱۴ بهمن ۱۳۹۴ ه. ش.

دارای بزرگ‌ترین یگان نیروهای مسلح خصوصی جهان است که برای نمونه، مسئولیت اصلی امنیت بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن را بر عهده داشت.^۱

شرکت G4S یک شرکت امنیتی و بین‌المللی مشهور وابسته به سرمایه‌داران صهیونیستی و انگلیسی است که در واقع آن را باید یکی از بازوان اطلاعاتی و جاسوسی رژیم اسرائیل دانست؛ زیرا این شرکت، از جمله شرکت‌هایی است که خدمات زیادی به رژیم صهیونیستی می‌دهد؛^۲ چراکه اولاً برای بازداشتگاه‌های این رژیم، تجهیزات امنیتی فراهم می‌کند و خدماتی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. (برخی از این مکان‌ها هم برای نگهداری از زندانیان سیاسی فلسطینی در کرانه باختری و فلسطین اشغالی مورد استفاده قرار می‌گیرند)؛ ثانیاً با ارائه خدمات امنیتی، امنیت کسب و کار در شهرک‌ها را فراهم می‌آورد؛ ثالثاً برای ایست‌های بازرسی ارتش اسرائیل در کرانه باختری تجهیزات و خدمات حفاظت مهیا می‌کند و رابعاً برای مراکز فرماندهی پلیس در کرانه باختری نیز سیستم‌های امنیتی تهیه می‌کند.^۳

1. www.Wikipedia.encyclopedia

۲. برگرفته از سایت خبری اسلام تایمز www.Islamtimes.org

۳. زیرمجموعه G4S در اسرائیل (هاشمیرا) در جولای ۲۰۰۷ میلادی با سازمان زندان‌های اسرائیل قرارداد بسته بود تا سرویس‌های امنیتی و تجهیزات لازم برای نقض مفاد ۴۹ و ۷۶ قرارداد چهارم ژنو را فراهم آورد. این شرکت برای زندان «هاشارون- رامونیم» (که یک بند از آن مختص نگاه‌داری از زندانیان سیاسی فلسطینی است) سیستم‌های امنیتی و کنترل مرکزی مهیا می‌کند G4S. علاوه بر تهیه مجموعه‌ای گسترده از تجهیزات امنیتی در زندان‌های «دامون» و «کنزیوت»، در زندان «مگیدو»، یک اتاق فرماندهی مرکزی مستقر کرده است. این شرکت در زندان «اوفر» جایی که بیش از ۱۵۰۰ فلسطینی (اکثراً زندانیان محاکمه‌نشده) محبوس هستند، در کنار استقرار اتاق فرماندهی مرکزی، سیستم‌های دفاع جانبی را بر روی دیوارهای اطراف زندان نصب کرده است. شرکت G4S بارها برای زندان‌های رژیم صهیونیستی، سیستم‌های فرماندهی و کنترل، فناوری اطلاعات (IT) و دوربین مداربسته فراهم آورده است و به مسئولان این زندان‌ها مشاوره می‌دهد. در مراکز بازجویی «جالما» و «مسکوبیه» که از سوی شرکت G4S تجهیز شده‌اند، حتی کودکان نیز از شکنجه در امان نیستند. اوایل سال ۲۰۱۴م. در یکی از این بازداشتگاه‌ها، «عرفات جرادات» شهروند فلسطینی، در حین شکنجه جان باخت. در همین مرکز، «لویا الاشقار» حین بازداشت از ناحیه ستون فقرات دچار شکستگی و پای چپش برای همیشه فلج شد (برگرفته از سایت خبرگزاری مشرق نیوز WWW.MASHREGHNEWS.IR، تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۹/۲۰).

این شرکت خدمات‌دهی خود را به دولت عربستان از سال ۲۰۱۰ میلادی، بعد از آنکه شرکت ویژه‌ای در این کشور تحت عنوان (المجال - جی فور اس) تأسیس کرد، آغاز نمود و شهر ساحلی جدّه را که در ۸۰ کیلومتری مکه مکرّمه قرار دارد، به عنوان مقر خود برگزید.^۱ جالب اینکه شرکت G4S در شهرهای الخبر، ریاض، مکه، طائف، ابها، جیزان، تبوک، مدینه، قسیم، حائل، جبیل و چند شهر دیگر عربستان نمایندگی دارد. شرکت امنیتی G4S که قرار است تسهیلات لازم و شرایط نقل و انتقال بیش از سه میلیون حاجی را فراهم کند، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های امنیتی است که وظیفه حفاظت از شخصیت‌ها و اماکن مورد نظر طرف‌های قرارداد را بر عهده دارد.^۲

اینکه این شرکت که بیشترین خدمات را به صهیونیست‌ها ارائه می‌دهد، چگونه توانسته است سکان امنیتی بزرگ‌ترین مراسم عبادی مسلمانان را در یکی از تأثیرگذارترین کشورهای اسلامی بر عهده بگیرد، ریشه در مناسبات پنهان عربستان و رژیم اسرائیل دارد.^۳

۱. بر اساس اطلاعاتی که از شبکه «الاکسار» به دست آمده است، دولت عربستان قبلاً هم از شرکت‌های امنیتی خصوصی برای ارائه خدمات مرتبط با حج استفاده کرده است. تنها در حج سال ۲۰۱۴م. تعداد حیرت‌انگیز ۷۰۰ هزار نیرو از همین شرکت‌ها به کار گرفته شد. بیشتر گزارش‌های فاش شده حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۰م. تأمین امنیت حج به سازمان «المجال» G4S یکی از زیرمجموعه‌های شرکت مادر G4S محول شد. به گفته «زید شعبی» اکتیویست عضو کمپین بایکوت عدم سرمایه‌گذاری و تحریم رژیم صهیونیستی (BDS)، شرکت خصوصی G4S به همکاری در شکنجه زندانیان محاکمه‌نشده و حتی کودکان در فلسطین متهم است. شرکت G4S در ۱۶ کشور عربی فعال است و حجم معاملات سال ۲۰۱۳ این شرکت در کشورهای عربی، ۵۰۱ میلیون پوند (۸۰۵ میلیون دلار) یا حدود ۶ درصد از کل معاملات این شرکت برآورد شده است. این شرکت علاوه بر حفاظت از شرکت‌های خصوصی برای تأمین امنیت در فرودگاه‌های بغداد و دبی، سفارت‌های کشورهای عربی و رویدادهای ورزشی در کشورهای عربی، حدود ۴۴ هزار نفر را به کار گرفته است. در مقابل، G4S از فعالیت‌های خود در سرزمین‌های اشغالی حدود ۱۰۰ میلیون پوند (۱۶۰ میلیون دلار) یا حدود ۱ درصد از کل درآمد سالانه خود را کسب می‌کند. (برگرفته از خبرگزاری فارس به آدرس: www.farsnews.com، تاریخ انتشار خبر ۱۳۹۴/۰۹/۲۶)
۲. آرشبو صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه یک صدا و سیمای مستند حقیقت گمشده، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸.
۳. نگارنده در تلاش برای یافتن اطلاعاتی بیشتر در خصوص شرکت امنیتی G4S و مفاد قراردادهایی که این شرکت با مقامات سعودی به امضا رسانده، به سایت شرکت مذکور و دیگر پایگاه‌های خبری و سایر مراجع رسانه‌ای

لازم به ذکر است که براساس مطالب منتشر شده در مطبوعات عربستان، هر ساله ارگان‌های امنیتی فعال در کشور عربستان، به منظور کنترل امنیت منا و ساماندهی حرکت جمعیت حجاج به مقصد رمی جمرات، از وجود بیش از ۶۵۰۰ دستگاه دوربین کنترل امنیتی استفاده می‌کنند. برد این دوربین‌ها بیش از ۷ کیلومتر و برد دوربین‌های عملیاتی بیش از ۶۰ کیلومتر است. کلیه دوربین‌ها به اتاق فرمان و کنترل ستاد فرماندهی عملیات متصل است و با شبکه دوربین‌های حرم و محوطه‌های اطراف آن و شبکه‌های دیگر دوربین‌های مراقبتی ارگان‌های مختلف عربستان، نصب شده در مکه مکرمه و جاده‌های منتهی به آن از طریق سیستم رایانه‌ای ارتباط دارد.

تعداد ۱۱۵۰۰ نفر از نیروهای قوات الطوارئ الخاصه، مسئولیت برقراری و حفظ امنیت، ایمنی و سلامتی حجاج در محدوده پل جمرات را بر عهده دارند. در این محدوده اتاق کنترل با بیش از ۵۰۰ دستگاه دوربین پیشرفته که در منطقه جمرات نصب شده‌اند، زیر نظر مستقیم مرکز فرماندهی و کنترل عملیات، فعالیت دارد. این مرکز با استفاده از شبکه دوربین‌های مزبور، تمامی مسیرها و جهت‌های حرکت حجاج به مقصد جمرات را کنترل می‌کند.

... تعداد ۳۴ مرکز فرماندهی امنیتی در موسم حج در سراسر مشاعر مقدس به ویژه در منا و تونل‌های عزیزیه فعالیت دارند و حوزه مأموریت آنها از حد فاصل مزدلفه با منا شروع و تا بعد از پل جمرات از سمت غربی آن ادامه دارد و مسئولیت این نیروها کاهش ازدحام و تراکم جمعیت حجاج در مسیرهای منتهی به جمرات است. علاوه بر این، طرح عملیاتی کنترل امنیتی منا در موسم حج امسال (۱۴۳۶ ه.ق/ ۱۳۹۴ ه.ش) به شرح ذیل بوده است:

مراجعه کرده است؛ اما متأسفانه هیچ‌گونه اطلاعات دیگری غیر از آنچه در این مقاله گردآوری شده، نیافته است؛ بنابراین پاسخ بسیاری از سؤالات نگارنده بی‌پاسخ مانده است و ابهامات بسیاری در خصوص این شرکت همچنان باقی است. شاید بسیاری از مردم جهان ندانند که این شرکت چیست، ولی شرکت در مورد خیلی از همین مردم اطلاعات کاملی دارد!

۱. مهیا سازی بیش از ۱۳۰ نقطه جداسازی جمعیت و کنترل حجاج در منا.
 ۲. ایجاد مسیرهای متعدد برای تردد حجاج به جمرات به تفکیک ورودی‌ها و خروجی‌ها.
 ۳. استقرار تعداد ۳۴ مقر فرماندهی امنیتی در نقاط مختلف منا از جمله در تونل‌های رابط بین منا و منطقه عزیزیه. هر کدام از مقرهای مزبور مسئولیت کنترل محدوده معینی را بر عهده دارد.
 ۴. به کارگیری بیش از ۱۱۵۰۰ نفر از نیروهای «قوات الطوارئ الخاصة» یا نیروهای ویژه حوادث برای تأمین امنیت محدوده پل جمرات.
 ۵. به کارگیری بیش از ۶۰۰۰ نفر از نیروهای امنیتی برای کنترل مسیرهای منتهی به جمرات.
 ۶. نصب تعداد ۵۰۰ دستگاه دوربین پیشرفته با امکانات بسیار بالا برای کنترل حرکت توده‌های حجاج در منطقه پل جمرات. این دوربین‌ها تصاویر را به اتاق کنترل در جمرات مخابره کرده و با مرکز فرماندهی و کنترل امنیتی در ارتباط است.
 ۷. ساماندهی ورود حجاج به پل جمرات به میزان حداکثر ۳۰۰/۰۰۰ زائر در هر ساعت که در طبقات پنج‌گانه آن به طور مساوی توزیع می‌شوند.
- با وجود این برنامه‌ریزی‌ها، سعودی‌ها همواره با دو معضل حل‌نشده مواجه هستند که برنامه‌ریزی‌های آنان را در مقاطعی ناکام می‌گذارد:
۱. دیدگاه صرفاً امنیتی مقامات سعودی در رابطه با سازماندهی حج: چنین دیدگاهی تمامی ابعاد حج را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و به خواسته‌ها و نیازمندی‌های حجاج و نقطه نظرات بعثه‌ها هیچ‌گونه توجهی نمی‌شود.
 ۲. اجرای نادرست برنامه‌ها: هر چند عربستان از افراد باتجربه، مراکز تحقیقاتی و علمی جهانی و کارشناسان زبده داخلی و خارجی برای برنامه‌ریزی‌های خود استفاده می‌کند، ولی چون در اجرا از افراد ناوارد، کم تجربه و غیر متخصص سعودی استفاده می‌شود، بنابراین بعضاً برنامه‌ریزی‌های آنها نتیجه مطلوب نمی‌دهد و حوادثی همچون حادثه امسال منا به

وجود می‌آید. وگرنه چه دلیلی دارد که با این همه برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از این همه امکانات و بکارگیری تعداد زیادی نیرو، با چنین فاجعه انسانی در حج مواجه شویم.^۱

ب) برنامه تفویج (اعزام گروهی) به پل جمرات

به ادعای مقامات سعودی، برنامه تفویج یا اعزام گروهی به پل جمرات، هر ساله از سوی وزارت حج به بعثه‌های حج ابلاغ می‌شود؛ ولی در توافقنامه‌های حج منعقد شده بین وزارت حج عربستان و هیئت‌های حج کشورهای اسلامی، فقط به وجود چنین برنامه‌ای اشاره می‌شود و ابلاغ آن به بعثه‌های حج، به بعد موکول می‌گردد. بر اساس اظهارات مقامات سعودی، طرح مصوب تفویج از نظر علمی بر سه پایه اجرایی استوار است:

۱. خود حجاج؛

۲. بعثه‌های حج یا نمایندگان حجاج؛

۳. مؤسسات مطوفین.

برنامه تفویج از سوی پنج ارگان دولتی عربستان، یعنی امارت مکه مکرمه، وزارت حج، امن العام، سازمان دفاع مدنی (یا امداد و نجات) و مرکز پژوهش‌های حج خادم حرمین شریفین، وابسته به دانشگاه ام القری در مکه، تدوین، تصویب و اجرا می‌شود. در این طرح یک سری محدودیت‌های زمانی برای عزیمت به پل جمرات تعیین می‌شود که بنا به ادعای سعودی‌ها از طریق مؤسسات مطوفین حجاج به بعثه‌های حج ابلاغ می‌شود و کارگاه‌های آموزشی اعزام به پل جمرات را وزارت حج با مشارکت ادارات و ارگان‌های ذی‌ربط سعودی برای بعثه‌های حج کشورهای مختلف برگزار می‌کند.^۲

۱. گفت‌وگوی فرمانده نیروهای طوارئ الخاصه، وابسته به وزارت کشور عربستان با روزنامه عکاظ، مورخ ۹/۲۴/

۲۰۱۵ میلادی در خصوص طرح عملیات کنترل منا در موسم حج.

۲. اظهارات حاتم قاضی، سخنگوی وزارت حج دولت سعودی عربستان، یک روز پس از وقوع حادثه منا در

گفت‌وگوی مطبوعاتی با ارگان‌های متولی ساماندهی امور حج در عربستان که از سوی خبرگزاری رسمی

عربستان سعودی (واس) و روزنامه عکاظ به شماره ۵۲۱۳، مورخ ۱۴۳۶/۱۲/۱۱ هجق منتشر شد.

یک منبع آگاه خبری دولت عربستان، طی گزارشی به برنامه تفویج حجاج به جمرات اشاره کرد. در این گزارش با اشاره به برنامه تفویج مصوب وزارت حج که نسخه‌ای از آن در اختیار این منبع خبری قرار گرفته بود، آمده است:

۱. **برنامه تفویج از طریق خیابان ۲۰۴:** این خیابان برای عزیمت روزانه تعداد ۱۳۸/۴۵۴ حج‌گزار از ۴۸ مربع چادرهای حجاج به پل جمرات اختصاص یافته بود. برای نظارت بر اجرای برنامه تفویج، تعداد ۷ ناظر (مراقب) در طول خیابان مزبور و تعداد ۶۹ ناظر در درون مربع‌های چادرهای حجاج مستقر بودند. این خیابان برای عزیمت حجاج تحت پوشش مؤسسات مطوفین کشورهای آفریقایی غیر عربی، کشورهای عربی و ایران اختصاص یافته بود. طبق این برنامه، محدوده زمانی بین ۰۰:۲۰ تا ساعت ۱:۵۲ بامداد روز پنجشنبه برای عزیمت حجاج چادرهای مشرف به خیابان ۲۰۴ به جمرات اختصاص یافته بود و در این مدت، باید فقط تعداد ۱۰ فوج یا گروه، هر کدام حداکثر به تعداد ۲۵۰ نفر به جمرات اعزام شوند. اما در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه، حجاج این مربع‌ها، باید به ترتیب رأس ساعت‌های ۷:۲۲ و ۳:۵۳ بامداد روزهای مزبور از چادرهایشان به مقصد جمرات خارج شوند. رفت این گروه از حجاج به جمرات از خیابان ۲۰۴ و برگشت آنها از جاده ملک فهد تعیین شده بود.

۲. **برنامه تفویج از طریق جاده ملک فهد:** طبق این برنامه، مقرر بود روزانه تعداد ۱۷۹/۳۰۵ زائر از حجاج ساکن ۸۴ مربع از مربع‌های چادرهای حجاج تحت پوشش مؤسسات مطوفین حجاج کشورهای جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، آفریقای غیر عربی، کشورهای عربی، ترکیه، اروپا، آمریکا و حجاج داخلی عربستان، از جاده ملک فهد اعزام جمرات شوند و در طول این جاده تعداد ۱۰ مراقب و درون مربع‌های پیش‌گفته تعداد ۸۷ مراقب بر روند عزیمت حجاج از این جاده به پل جمرات نظارت کنند.^۱

۱. گزارش روزنامه عکاظ به شماره ۵۲۱۳، مورخ ۲۵/۹/۲۰۱۵م.

متأسفانه با وجود اینکه سعودی‌ها در مناسبت‌های مختلف به این برنامه اشاره می‌کنند، ولی هیچ‌گاه اعلام نکرده‌اند که جزئیات آن را به بعثه‌ها ارائه داده‌اند. همچنین شواهد و قرائن مندرج در این گزارش حاکی است که دیگران نیز از خیابان ۲۰۴ استفاده کردند و خود نیروهای امنیتی، حجاج را بدون رعایت مفاد این برنامه به خیابان مزبور هدایت می‌کردند.

گفتار سوم: علل وقوع فاجعه منا

دلخراش بودن حادثه و تعداد زیاد قربانی، هر انسانی را به فکر و می‌دارد که چرا باید در مناسک پرفیض حج، چنین حادثه هولناکی به وجود آید؛ بنابراین آنچه که بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد، روشن شدن علت و چگونگی به وقوع پیوستن این فاجعه هولناک است. اما با وجود اینکه چندین ماه از حادثه منا می‌گذرد و گمانه‌زنی‌های بسیاری در خصوص این فاجعه ایجاد شده است، هنوز دولت عربستان از انتشار تصاویر و فیلم‌ها جلوگیری کرده و از بیان حقایق خودداری می‌کند. به همین دلیل ابهامات بسیاری در خصوص فاجعه منا به وجود آمده است. نگارنده بر آن است که در ادامه، با توجه به مستندات و مدارکی که تاکنون به دست آمده است، به بررسی و تحلیل وضعیت منا قبل و بعد از فاجعه پردازد.

اظهار نظرها و دیدگاه‌های مختلف و متناقضی در خصوص علل اصلی وقوع فاجعه منا بیان شده است. اگر از علل و عوامل ساده‌ای مانند خستگی حجاج به خاطر راهپیمایی طولانی، تشنگی و گرمی هوا، مشکلات و کمبودهای خیابان ۲۰۴ (برای مثال نداشتن امکانات تهویه هوا) بگذریم که فقط عوامل مساعدی برای افزایش تلفات به شمار می‌روند، از مجموعه اظهارات شاهدان عینی ایرانی و غیر ایرانی و گزارش‌های رسانه‌ها و مطبوعات خارجی و داخلی و اظهار نظرهای کارشناسان، چنین برمی‌آید که علل اصلی وقوع فاجعه منا، عوامل ذیل است. اکنون با بررسی مطالب بیان شده در مورد هر کدام از این علل، صحت و سقم این ادعاها را ارزیابی می‌کنیم.

۱. بی‌تدبیری و سوء مدیریت سعودی‌ها

در دوم مهر ۱۳۹۴ ه.ش، تدابیر امنیتی در مسیرهای اصلی حجاج در منا به شدت افزایش یافت و تمامی مسیرهای فرعی مسدود شد؛ به گونه‌ای که در کنار وجود نیروهای امنیتی، سربازان مسلح در دو طرف مسیرها، مستقر شدند و فضای تردد حجاج به شدت کاهش یافت. تدابیر امنیتی سعودی‌ها به ازدحام جمعیت در خیابان ۲۰۴ منجر شد و این ازدحام لحظه به لحظه شدت یافت؛ به صورتی که در چند صد متر مانده به پل بزرگراه ملک فهد، سرعت جمعیت کمتر شد و راه فرعی باز دیگری وجود نداشت.



از سوی دیگر حجاجی که از خیابان ۲۲۳ حرکت کرده بودند، به تقاطع خیابان ۲۰۴ رسیدند و ازدحام جمعیت در این نقطه دو برابر شد. از سوی دیگر نیروهای امنیتی سعودی، مسیر فرعی خیابان ۲۱۵ را که تنها راه خروج حجاج از این ازدحام کشنده بود، مسدود کردند تا امنیت ساختمان امنیتی- نظامی انتهای خیابان (مرکز دفاع مدنی) تهدید نشود. مسیر خیابان ۲۱۵ به خیابان سوق العرب منتهی می‌شود که دو مقر امنیتی

نیز در آن قرار دارد. همان‌گونه که بیان شد از آنجا که نیروهای امنیتی مایل نبودند که جمعیت در آن خیابان حضور داشته باشند، مسیر خیابان ۲۱۵ را بستند. لحظاتی پس از این اقدام، حجاج در نزدیکی پل ملک فهد متوقف شدند. این در حالی بود که موج حاجیان پشت سر، همچنان رو به جلو حرکت می‌کرد و نیروهای امنیتی، جلوی حرکت آنان را نگرفتند و فاجعه رخ داد.^۱

هرچند دولت عربستان سعی دارد مسئولیت حادثه را متوجه حجاج و بی‌نظمی آنها کند، ولی وقایع نشان می‌دهد که رفتار حجاج، عامل وقوع فاجعه نبود، بلکه اقدامات و تدابیری که مقامات سعودی برای مقابله با بحران‌ها و شرایط فوق‌العاده اتخاذ می‌کنند، پاسخگوی مقتضیات وقوع حادثه‌ای همچون حادثه منا نیست؛ بنابراین دولت عربستان مقصر اصلی فاجعه است؛^۲ زیرا مقامات سعودی، مسیرهای منتهی به ورودی‌ها و خروجی‌های جمرات را بسته بودند و هزاران نفر از حجاج ورودی و خروجی را ناگزیر کردند از یک مسیر عبورکنند و در نتیجه تداخل و فشار متقابل جمعیت رخ داد.^۳

بر اساس اظهارات یکی دیگر از منابع خبری، نیروهای امنیتی عربستان، مسیرهای جمرات را بستند و فقط یک مسیر را باز گذاشتند و تعدادی از نیروهای امنیتی سعودی مستقر در این مسیر، توصیه‌های نادرست به حجاج ارائه می‌دادند که نتایج معکوسی به دنبال داشت. هنگامی که مردم بر اثر فشار شدید جمعیت سعی داشتند راهی برای نجات خود بیابند، نیروهای امنیتی فریاد زدند: «به عقب برگردید، به عقب برگردید».^۴

۱. آرشیو صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، شبکه یک صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مستند حقیقت گمشده، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸.

۲. گفت‌وگوی کارشناس انگلیسی مسائل عربستان سعودی با شبکه تلویزیونی بی.بی.سی در خصوص بررسی علت وقوع فاجعه منا در روز پنجشنبه، مورخ ۲۰۱۵/۹/۲۴.

۳. روزنامه دیلی میل، چاپ انگلستان در روز جمعه مورخ ۲۰۱۵/۹/۲۵، طی مقاله‌ای به نقل از شاهدان عینی، علت وقوع حادثه منا را ناشی از تصمیم نادرست مقامات سعودی دانست.

۴. تحلیل خبرگزاری فرانس پرس در مورد حادثه منا در روز جمعه، مورخ ۲۰۱۵/۹/۲۵.

همچنین طبق اظهارات شاهدان عینی، نیروهای امنیتی سعودی با استفاده از موانع و تشکیل زنجیره انسانی، تعدادی از مسیرها را بستند و حجاج را به مسیرهای متعارض و مخالف هدایت کردند. حجاج که از دو سوی مخالف هم می‌آمدند، با هم برخورد کردند که به دلیل بسته بودن مسیرها، تعداد بسیار زیادی از آنها قربانی شدند.^۱

مجموعه اظهارات شاهدان عینی و دیدگاه رسانه‌ها و کارشناسان، به وضوح نشان می‌دهد دولت سعودی در زمینه مدیریت جمعیت حجاج، سوء تدبیر داشته و مقصر بوده است و به همین خاطر پادشاه عربستان، ساعاتی پس از وقوع فاجعه، دستور داد در روش‌های اجرایی حج بازنگری شود. صدور این دستور بر نقش عامل سوء مدیریت سعودی‌ها در بروز این حادثه دلالت دارد.

۲. عبور کاروان رسمی مقامات بلندپایه عربستان سعودی

رسانه‌های خبری متعددی، عبور کاروان رسمی مقامات بلندپایه سعودی را یکی دیگر از علل اصلی وقوع حادثه منا معرفی کرده‌اند.^۲ برای نمونه در گزارش روزنامه الصباح، چاپ مغرب آمده است: «کاروان محمد بن سلمان، متشکل از ۲۰۰ ارتشی و ۱۵۰ نیروی امنیتی که او را احاطه کرده بودند، از میان جمعیت عبور کرد و موجب بستن راه‌ها، تغییر مسیر حجاج و معکوس شدن جهت حرکت آنان و در نتیجه، وقوع تدافع شد». به عقیده گزارشگر این روزنامه، ناهماهنگی به وجود آمده در این خصوص، ناشی از رقابت بین محمد بن نایف و محمد بن سلمان بر سر قدرت بود.^۳ طبق گفته

۱. کانال تلویزیونی النهار الجزایر به نقل از شاهدان عینی در تاریخ ۱۱/۱۲/۱۴۳۶ هـ.ق.

۲. برای نمونه سایت خبری نیل نت مصر، مورخ ۲۸/۹/۲۰۱۵ م؛ روزنامه نیویورک تایمز به نقل از شاهدان عینی؛ روزنامه المساء چاپ مغرب، مورخ ۴/۱۰/۲۰۱۵ م؛ روزنامه الدیار چاپ لبنان؛ روزنامه الصباح چاپ مغرب، مورخ ۲/۱۰/۲۰۱۵ م، طی مقاله‌ای به نقل از عده‌ای از زائران مغربی، روزنامه اخبارنا المغربیه؛ سایت عربی ثقفنا به آدرس <http://thagefna.com>، مورخ ۲۵/۹/۲۰۱۵ م، عبور کاروان رسمی مقامات بلندپایه سعودی را یکی دیگر از علل اصلی وقوع حادثه منا معرفی کرده‌اند.

۳. روزنامه الصباح چاپ مغرب، مورخ ۲/۱۰/۲۰۱۵ م.

برخی از شاهدان عینی، این کاروان مربوط به محمد بن سلمان بود. همچنین یکی دیگر از منابع خبری آگاه به استناد اظهارات بسیاری از شاهدان عینی عرب^۱، در گزارش خود آورده است:

هنگام عزیمت به مقصد جمرات، ناگهان با توقف شگفت‌انگیز حجاج مواجه شدیم. چند دقیقه گذشت که گروه‌هایی از حجاج از پشت وارد شدند و تدافع رخ داد... نیروهای امنیتی سعودی حجاج را وادار کردند به خاطر عبور کاروان رسمی، توقف کنند؛ ولی گروه‌هایی از حجاج یک‌سره به سمت ما آمدند. تراکم جمعیت بسیار بالا بود و نیروی فشار افراد به دیگران منتقل و وضعیتی کنترل‌ناپذیر درون آن جمعیت حکم‌فرما شد و در نتیجه مردم زمین افتادند و از سوی دیگران لگدمال شدند و صداها نفر بر اثر خفگی ناشی از قرار گرفتن زیر دیگران، جان سپردند.

روزنامه مزبور در ادامه گزارش خود نوشت:

بدون شک حادثه منا بر اثر برخورد دو گروه بزرگ از حجاج با یکدیگر در یکی از چهارراه‌های منا رخ داد؛ ولی چرا این دو گروه از حجاج با یکدیگر برخورد کردند؟ بسیاری از ناظران در انتظار دریافت پاسخ این پرسش تحریک‌برانگیز هستند. شهادت برخی از حجاج از بسته شدن راه‌های منتهی به جمرات از سوی ساماندهندگان حج در منا حکایت دارد و اینکه فقط یک مسیر را باز گذاشته بودند و گروه‌های دیگری از حجاج از سمت مخالف می‌آمدند. تعدادی از حجاج زمین افتادند و توسط دیگران له شدند.

شدت گرما موجب خفه شدن حجاجی شد که بر روی زمین افتاده بودند. عده‌ای نیز به شدت مصدوم شدند. علت دیگر وقوع حادثه، بستن مسیرهای محل تردد حجاج از سوی مسئولان ذی‌ربط برای تسهیل عبور شخصیت‌های بلندپایه بود که موجب افزایش

۱. اظهارات زینب عبدالعزیز، زائر ۵۰ ساله مصری، حاج احمد عبدالرحمن، زائر ۶۰ ساله مصری که حادثه را به طور کامل مشاهده کرده است، حاج حسن عبدالعال و حاج امیره عبدالحی، دو زائر دیگر مصری، شاهد عینی سعودی به نام خالد صالح (کارمند دولت)، زن ۴۰ ساله مغربی به نام فاطمه لغدایش و محمد حسن زائر ۳۹ ساله مصری.

تراکم جمعیت و تشدید فشار در آن و در نتیجه موجب بروز حادثه شد. شاهدان تأکید داشتند که آمار واقعی کشته‌ها و مصدومان حادثه منا، بسیار بیشتر از آمار منتشره از سوی مقامات سعودی است؛ زیرا با چشمان خود هزاران نفر جان‌باخته را دیده‌اند.^۱

لازم به یادآوری است که سخنگوی رسمی وزارت کشور عربستان در شامگاه روز وقوع حادثه، ضمن تکذیب عبور کاروان مقامات بلندپایه عربستان از مسیرهای محل تردد حجاج گفت:

هیچ معجالی برای مرتبط کردن علت وقوع حادثه با عبور کاروان رسمی وجود ندارد؛ زیرا مسیر خاصی برای عزیمت مقامات و میهمانان بلندپایه به پل جمرات برای رمی در نظر گرفته شده است که از مسیرهای محل تردد حجاج جداست.^۲

هر چند که اظهارات سخنگوی رسمی وزارت کشور عربستان مبنی بر تردد شخصیت‌های بلندپایه از مسیر خاص برای رمی جمرات، صحت دارد، ولی به دلیل اینکه ورودی مسیر مزبور بالاتر از خیابان‌های ۲۰۶ و ۲۲۳ قرار گرفته است، در صورت ورود کاروان رسمی به محل و اقدام پلیس برای عقب راندن حجاج و بستن مسیرهای اطراف و هدایت جمعیت به خیابان‌های ۲۰۶ و ۲۲۳، با شلوغی و تراکم بیش از حد جمعیت حجاج مواجه خواهیم شد و این اقدام، می‌تواند به همراه عوامل دیگر، موجب بروز فاجعه‌ای به عظمت فاجعه منا شود؛ به ویژه که در اظهارات اغلب شاهدان عینی با واژه «ناگهان» مواجه می‌شویم که حکایت از ازدحام ناگهانی و تشدید فشار جمعیت دارد. این عامل ناگهانی می‌تواند اقدام خشن مأموران امنیتی عربستان برای بازگشایی مسیر عبور کاروان دولتی باشد. با توجه به کمبود اطلاعات ارزیابی شده در این خصوص، اثبات صحت این ادعا در حال حاضر امکان‌پذیر نیست؛ ولی نباید وجود چنین عاملی را به کلی نادیده گرفت.

۱. گزارش روزنامه المساء، چاپ مغرب در مورد فاجعه منا، مورخ ۲۰۱۵/۱۰/۴م.

۲. بیانیه سرلشکر ستاد منصور التركي، سخنگوی رسمی وزارت کشور دولت عربستان در تاریخ ۱۴۳۶/۱۲/۱۰ه.ق.

۳. پایبند نبودن حجاج به دستورالعمل‌های اجرایی حج و مقررات اعزام به جمرات این فرضیه بیشتر از سوی سعودی‌ها، مطبوعات و جریان‌ها وابسته به آنها مطرح شد تا از خود، سلب مسئولیت کنند. در این مبحث به برخی از اظهار نظرهای مقامات سعودی در این خصوص اشاره می‌کنیم. طبق اظهار نظر سخنگوی رسمی وزارت کشور عربستان^۱ در شامگاه روز وقوع حادثه، ضمن سلب مسئولیت از دولت عربستان، موارد ذیل را از علل وقوع حادثه منا دانست:

الف) حجاج بر خلاف دستورالعمل‌های صادره، به جای عزیمت به چادرهایشان، مستقیماً از مزدلفه، عازم جمرات شدند.

ب) علت دقیق افزایش تراکم جمعیت در خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۲۳ مشخص نیست و باید یک سری تحقیقات علمی - میدانی همه‌جانبه در این زمینه صورت گیرد تا علت اصلی وقوع حادثه را دریابیم. شاید بخشی از آن ناشی از پایبند نبودن حجاج به جدول زمان‌بندی اعزام به پل جمرات و چگونگی تفویج (اعزام گروهی به پل جمرات)، تراکم بیش از حد جمعیت و تداخل مسیرهای حجاج در یکی از تقاطع‌ها، افزایش دما، شدت تابش آفتاب و خستگی مفرط ناشی از طی کردن مسیر طولانی از مزدلفه به مقصد پل جمرات باشد.

وزیر حج عربستان نیز در مصاحبه با مطبوعات عربستان در مورد علل وقوع حادثه منا با بیان مطالب ذیل سعی کرد حجاج را مقصر اصلی وقوع این فاجعه معرفی کند:

الف) علت وقوع حادثه، پایبند نبودن حجاج به این توصیه بود که نخست باید به چادرهایشان بروند و سپس طبق جدول زمان‌بندی مصوب، عازم رمی جمره شوند... آنها ترجیح دادند مستقیماً از مزدلفه عازم منا شوند.

ب) بسیاری از حجاج به دستورالعمل‌های حج توجه نداشته و در زمان‌های ممنوع، عازم رمی جمرات شدند... طبق برنامه مصوب وزارت حج، حجاج ملزم هستند نخست به چادرهایشان بروند و سپس طبق برنامه مصوب، عمل کنند.

۱. اظهارات منصور التركي، سخنگوی رسمی وزارت کشور عربستان در تاریخ ۱۴۳۶/۱۲/۱۰ ه.ق.

ج) بعثه‌های حج مقصرد؛ زیرا به وظایف خود در آگاه‌سازی حجاج، به ویژه در مشاعر مقدس، عمل نکردند. نامبرده در این مصاحبه سعی داشت ضمن سلب مسئولیت از وزارت حج و مؤسسات مطوفین در این خصوص، کلیه تقصیرها را گردن حجاج و بعثه‌های حج بیندازد.

د) بعثه‌های حج موظف‌اند عوامل اداری بیشتری به همراه حجاج به منا و مشاعر مقدس اعزام کنند و برای آگاه‌سازی حجاج خود، تلاش بیشتری مبذول دارند.

ه) در صورت جلسات توافق با بعثه‌های حج، بر ضرورت آگاه‌سازی حجاج و رعایت مقررات و جداول زمان‌بندی اعزام گروهی حجاج به جمرات و مسیرهای بازگشت به چادرهایشان، تأکید شده است. این جداول و مقررات در اختیار مؤسسات مطوفین حجاج خارجی و شرکت‌های حجاج داخلی قرار داده شده است، ولی بعضی‌ها به دستورالعمل‌های مصوب در این خصوص بی‌توجه هستند.

و) هیچ ارگانی در عربستان اعم از وزارت حج یا مؤسسات مطوفین یا شرکت‌های حجاج داخلی، قادر نیست خروجی‌ها را ببندد و از خروج حجاج جلوگیری کند.^۱ همچنین اظهار نظر مفتی اعظم عربستان در مورد فاجعه منا و علل وقوع آن در نوع خود بی‌نظیر است. او با تأکید بر لزوم رعایت مقررات حج از سوی حجاج و آگاه‌سازی آنها از سوی بعثه‌های حج، سعی داشت مسئولیت وقوع حادثه منا را به عهده حجاج و بعثه‌های حج بگذارد و برای این ادعای خود، استدلال خنده‌آوری بیان کرد:

برخی از حجاج تعمد دارند در اماکن مقدس بمیرند تا به باور خود به ثواب برسند. برخی از افراد معتقدند که مردن عمدی در حج فضیلت است. چنین باوری بسیار زیان‌آور است و خودکشی به شمار می‌رود. اگر فردی به عمد، موجب مرگ خود شود، مرگ او خودکشی است.^۲

۱. مصاحبه مطبوعاتی وزیر حج عربستان با روزنامه عکاظ در مورد علل وقوع حادثه منا، ش ۵۲۱۳، روز جمعه مورخ ۲۰۱۵/۹/۲۵.

۲. اظهار نظر مفتی اعظم عربستان در گفت‌وگو با روزنامه عکاظ، ش ۵۲۱۳، جمعه مورخ ۱۴۳۶/۱۲/۱۱ ه.ق.

به نظر می‌رسد هرچند نوع و چگونگی رفتار حجاج و سطح آگاهی آنها نسبت به چگونگی انجام صحیح مناسک حج، تأثیر بسزایی در تشدید یا تسریع وقوع حوادث دارد، ولی این عامل به تنهایی نمی‌تواند علت اصلی وقوع حادثه‌ای به این بزرگی باشد. بروز چنین رفتارهایی از سوی حجاج، می‌تواند ناشی از عوامل دیگری مانند هدایت غلط جمعیت در مسیرهای محل تردد حجاج، عملکرد نادرست نیروهای امنیتی و بروز عامل ناگهانی باشد.

اما در خصوص ادعای مقامات سعودی، به ویژه وزیر حج آن کشور مبنی بر پایین بودن حجاج به مقررات و جدول زمان‌بندی تفویج به جمرات باید گفت: این ادعا بسیار واهی است؛ زیرا خود وزیر در مصاحبه مطبوعاتی خود هر چند عنوان می‌کند در صورت جلسه توافقات تدابیر حج منعقد با بعثه‌های حج، به برنامه تفویج اشاره شده است، ولی در جای دیگری از این مصاحبه می‌گوید: «برنامه و جدول زمان‌بندی تفویج در اختیار مؤسسات مطوفین قرار گرفته» (نه بعثه‌ها)؛ اما هیچ دلیل و مدرکی دال بر اعلام برنامه و جدول زمان‌بندی پیش‌گفته از سوی مطوفین به بعثه‌ها، ارائه نشده است.

۴. عامل خرابکاری و توطئه

برخی از افراد و رسانه‌ها بر این باورند که حادثه منا، زاییده یک توطئه یا عمل خرابکارانه است. گرچه اثبات این امر بر اساس مستندات و مدارک موجود بعید به نظر می‌رسد، ولی برخی عقیده دارند حادثه منا برنامه‌ریزی شده و هدفمند بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- برخی از رسانه‌های خبری، بیان داشته‌اند که دبیرخانه سازمان جهانی حقوق بشر، طی بیانیه‌ای در مورد حادثه منا اعلام کرد که با دلیل محکم به این نتیجه رسیده است: حادثه منا، قضا و قدر نبوده، بلکه یک جنایت هولناک به شمار می‌رود که مایه شرمساری است. این جنایت، وحشتناک‌ترین جنایت در حق بشریت در دوران معاصر است؛ زیرا در مکان حرام و در ماه حرام رخ داد و قربانیان آن حجاج بی‌گناهی بودند

که در اجابت فرمان خدا و پیامبرش از سرتاسر نقاط کره زمین عازم مکه شدند... سخن گفتن از مفقودان، بسیار تعجب برانگیز است؛ زیرا در مورد زلزله‌ای ویرانگر صحبت نمی‌شود که ممکن است افرادی زیر آوار آن مفقود شوند... ما در مورد حادثه‌ای سخن می‌گوییم که ناشی از فشار و تدافع است و تعدادی قربانی و مصدوم دارد. [دبیرخانه سازمان مزبور در پایان بیانیه خود این پرسش را مطرح می‌سازد که] صدها نفر از مردم، کجا پنهان و مخفی شده‌اند؟^۱

- جنبش پیروان انقلاب ۱۴ فوریه مصر در بیانیه‌ای که منتشر کرد، در مورد علل وقوع حادثه منا تأکید دارد که حادثه مزبور، توطئه از پیش طراحی شده سازمان اطلاعاتی عربستان بود که بدون اطلاع نیروهای امنیتی مستقر در منا اجرا شد. در این بیانیه به نقل از شاهدان عینی آمده است:

حرکت حجاج در مسیرهای جمرات، با وجود شلوغی و ازدحام جمعیت، روان بود؛ ولی ناگهان و بدون دلیل، متوقف شد و کلیه ورودی‌ها به مدت چند ساعت بر روی حجاج بسته شد و حجاج به یکدیگر فشار وارد آورده و صدها نفر به زمین افتادند.

در این بیانیه همچنین آمده است: «حجاج آفریقایی قربانی این حادثه، از توان جسمی بالایی برخوردار بودند و بیش از دیگران توان تحمل گرما، تشنگی و فشار را داشتند. آنها ناگهان با استنشاق بوی ناآشنا، توان خود را از دست دادند».^۲

- یکی دیگر از منابع خبری در مورد علت حادثه منا به نقل از تعدادی از پزشکان، شیمی‌دانان و کارشناسان بهداشت، تأکید کرد مساحت محدود محل وقوع حادثه و تنگی مسیرها، گنجایش این تعداد از حجاج را ندارد تا این همه کشته و مصدوم داشته باشد. به نظر می‌رسد عامل دیگری باعث کاهش شدید میزان اکسیژن هوا شده است؛ به طوری که حجاج از لحاظ تنفسی دچار مشکل شده و از نفس افتادند.^۳

۱. سایت‌های خبری ارتکاز (www.ertkaz.org) و النشیره (http://www.elnashra.com).

۲. بیانیه جنبش پیروان انقلاب ۱۴ فوریه مصر، روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۷ ه. ش.

۳. گزارش نشریه الانتباهه سودان در خصوص فاجعه منا، روز شنبه مورخ ۲۰۱۵/۹/۲۹ م.

- پزشک مصری و مشاور سابق وزیر بهداشت و مسکن مصر که چندین سال در کشور عربستان اقامت و به طبابت اشتغال داشت، در مصاحبه مطبوعاتی خود در مورد علت وقوع حادثه منا گفت: «باتوجه به معایناتی که از جانباختگان حادثه به عمل آوردم و مصاحبه‌هایی که با مصدومان انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که نامه‌ای به پادشاه عربستان بنویسم». نامبرده در نامه خود خطاب به پادشاه عربستان می‌گوید:

هنگام جست‌وجوی برادرزاده خود که در این حادثه مفقود شده بود، از بیمارستان‌های منا، عرفات و مکه مکرمه بازدید و ۵۰ مصدوم را معاینه کردم که همگی دچار فراموشی شده بودند. بررسی‌های به عمل آمده نشان داد که این افراد در حالت بیهوشی به بیمارستان‌ها انتقال یافته و پس از ۲ الی ۸ ساعت، درحالی که حافظه خود را از دست داده بودند، به هوش آمدند و به همین خاطر به عنوان افراد مجهول الهویه در بیمارستان‌ها ثبت شدند.... احتمال می‌رود که حادثه منا بر اثر نشت گاز سمی کشنده در محل وقوع حادثه رخ داده باشد که منجر به فوت افراد موجود در نزدیکی منبع نشت گاز و مسمومیت سلول‌های مغزی افراد دور از محل مزبور شده است و به همین خاطر برخی از مصدومان حادثه، حافظه و برخی دیگر، قدرت کنترل رفتارهای خود را از دست دادند. [نامبرده در ادامه نامه خود، انجام تحقیقات بیشتر توسط پزشکی قانونی عربستان را پیشنهاد کرده است].^۱

سخنگوی وزارت بهداشت عربستان در گفت‌وگوی مطبوعاتی، ضمن تکذیب ادعای نامبرده تأکید کرد:

آسیب ندیدن نیروهای امنیتی مستقر در اطراف محل وقوع حادثه و ابتلا نشدن آنها به نشانه‌های مزبور، دلیل روشنی بر بطلان این ادعاست. به ویژه آنکه نتایج معاینات پزشکی نشان داده است که اغلب قربانیان حادثه، دچار خفگی و برخی نقاط از بدن

۱. مصاحبه مطبوعاتی دکتر عبدالحمید فوزی ابراهیم ابوالسعد، پزشک مصری و مشاور سابق وزیر بهداشت و مسکن مصر با روزنامه الرياض عربستان، مورخ ۲۰۱۵/۱۰/۴م.

آنها دچار شکستگی شده و قربانیان بر اثر بی حالی ناشی از افزایش دما و شدت تابش اشعه خورشید، به زمین افتاده‌اند.

لازم به ذکر است که با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، احتمال دخالت عامل توطئه و خرابکاری در وقوع فاجعه منا بسیار ضعیف و اثبات آن نیازمند بررسی‌های عمیق و تخصصی بیشتر است. در جمع‌بندی اظهارات شاهدان عینی و گزارشات رسانه‌های مختلف، به نظر می‌رسد که علت اصلی وقوع فاجعه منا، نبود برنامه‌ریزی صحیح، بی‌تدبیری و سوء مدیریت سعودی‌هاست. علل و عوامل دیگر، حتی بر فرض صحت این ادعاها، فقط در تشدید و گسترش محدوده زمانی و مکانی حادثه و افزایش تلفات آن تأثیر دارد؛ مگر اینکه دلایل محکم دیگری به دست آید که این نتیجه‌گیری را تکمیل یا تعدیل کند.

گفتار چهارم: علل تشدیدکننده فاجعه منا

سعودی‌ها نه تنها با بی‌تدبیری و سوء مدیریت، موجب بروز فاجعه منا در موسم حج سال ۱۳۹۴ ه. ش شدند، بلکه با بی‌برنامگی، سردرگمی، آشفتگی و انفعال خود در تعامل با وقایع پس از حادثه، آثار زیان‌بار آن را تشدید کردند. آنها بیش از هر چیز دیگری در صدد حفظ آبرو و حیثیت خود بودند که در این حادثه به شدت آسیب دیده بود و به همین خاطر نهایت تلاش خود را مبذول داشتند تا مانع عکس‌برداری و فیلم‌برداری دیگران از وقایع حادثه شوند و نگذارند ملت‌های جهان به عمق این فاجعه هولناک پی ببرند.

در نتیجه نخستین اقدام مأموران امنیتی عربستان، کمک به مصدومان و قربانیان حادثه نبود، بلکه از فیلم‌برداری و عکس‌برداری دیگران جلوگیری کردند. آنها دوربین‌ها و تلفن‌های همراه افرادی را که در حال عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از صحنه‌های حادثه بودند، مصادره و دارندگان آنها را دستگیر و پس از بازجویی مختصر و ثبت

مشخصات و اطلاعات فردی، آزاد کردند.

یکی از منابع خبری آگاه، در مقاله‌ای در مورد فاجعه منا، به انفعال سعودی‌ها در تعامل با نتایج آن اشاره کرد:

هنگام وقوع فاجعه منا، سعودی‌ها موفق نشدند با حکمت و درایت، با نتایج آن تعامل کنند. آنها به جای شمارش منظم (سیستماتیک) جان‌باختگان و تشخیص هویت آنها، وارد جدال بیهوده‌ای (پولیمک) در مورد مسبب آن شدند... . نجات‌یافتگان این حادثه، عکس‌العمل سعودی‌ها پس از وقوع آن را بسیار ضعیف، دیر و با تأخیر توصیف کردند. آنها تأکید داشتند امدادگران دو ساعت پس از وقوع حادثه وارد عمل شدند. آنها به جای درمان مصدومان حادثه، به جمع‌آوری اجساد جان‌باختگان پرداختند... . آنچه پس از وقوع حادثه رخ داد، به ویژه در رابطه با شناسایی جان‌باختگان، مصدومان و مفقودان حادثه، دلیل روشنی بر سوء مدیریت و نداشتن کفایت مسئولان مربوطه در کشور عربستان است که نتوانستند به خوبی با این حادثه تعامل کنند. بیش از پنج‌هزار نفر در آن حادثه جان دادند، ولی سعودی‌ها موفق نشدند هویت آنها را مشخص کنند؛ مگر با تأخیر و پس از تلاش‌های فراوان.^۱

برای شناخت بهتر عملکرد سعودی‌ها پس از وقوع فاجعه منا، لازم است اقدامات آنها از جنبه‌های مختلف بررسی شود.

۱. تأخیر در اعلام وقوع حادثه به مراجع ذی‌ربط

به استناد اظهارات شاهدان عینی^۲ و رسانه‌های خبری،^۳ نیروهای امنیتی و امدادرسانی سعودی در تعامل با فاجعه، یا مبهوت مانده بودند یا هیچ عکس‌العمل و

۱. تحلیل روزنامه المساء، چاپ مغرب در خصوص فاجعه منا، مورخ ۲۰۱۵/۱۰/۴.

۲. به استناد شهادت ۷۰ نفر از حجاج ایرانی بیت الله الحرام که در مصاحبه‌ای که با سازمان امور حج و زیارت داشته‌اند، به تعلل و تأخیر نیروهای سعودی برای امدادرسانی پس از حادثه اذعان داشتند.

۳. روزنامه الیوم السابع چاپ مصر، مورخ ۲۰۱۵/۱۰/۵؛ روزنامه عکاظ، ش ۵۲۱۳، مورخ ۲۰۱۵/۹/۲۵.

اقدامی برای جلوگیری از وقوع آن یا کاهش آسیب‌های زیان‌بار آن به عمل نیاموردند و بعضاً با ارائه راهنمایی‌های غلط، به وقوع یا تشدید فاجعه کمک کردند. در تکذیب مطلب بیان شده، بیانه‌هایی از سوی مقامات ذی ربط عربستان منتشر شده است که در اینجا به یکی از این بیانه‌ها اشاره می‌کنیم. سازمان دفاع مدنی عربستان در نخستین بیانه خود در خصوص فاجعه منا اعلام کرد:

نیروهای امنیتی، هلال احمر و دفاع مدنی، بلافاصله پس از وقوع حادثه وارد عمل شدند و مسیرهای منتهی به محل وقوع آن را بسته و به کمک مصدومان و جان‌باختگان حادثه شتافتند و تعداد چهارهزار نفر امدادرسان و ۲۲۰ دستگاه مختلف به امدادسانی و اورژانس در عملیات امداد و نجات قربانیان حادثه پرداختند و توده‌های متراکم و فشرده جمعیت را از هم جدا و تفکیک و حجاج را به مسیرهای جایگزین هدایت کردند.^۱

اما اظهارات شاهدان عینی و مسئولان ذی‌ربط سعودی، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. برای روشن شدن واقعیت امر به موارد ذیل اشاره می‌کنیم:

- معاون برنامه‌ریزی و بهبود فرآیندهای دفاع مدنی (سازمان امداد و نجات وابسته به وزارت کشور عربستان) که خود جزو مصدومان حادثه مناست، در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌های خبری عربستان اظهار داشت: «عملیات جداسازی مصدومان از جان‌باختگان حادثه از ساعت ۱۰ به بعد شروع و تا بعد از ظهر ادامه یافت».^۲ این در حالی است که حادثه بین ساعت ۸:۵ تا ۸:۴۵ صبح اتفاق افتاد.

- رئیس جمعیت هلال احمر عربستان که تشکیلات او به همراه وزارت بهداشت عربستان، مرجع اصلی ارائه خدمات اورژانسی به مصدومان حادثه بود، در مصاحبه

۱. بیانه سازمان دفاع مدنی عربستان در مورد فاجعه منا، به گزارش روزنامه عکاظ، ش ۵۲۱۳، مورخ ۲۵/۹/۲۰۱۵م.

۲. گفت‌وگوی سرگرد احمری، معاون برنامه‌ریزی و بهبود فرآیندهای دفاع مدنی (سازمان امداد و نجات وابسته به وزارت کشور عربستان) با روزنامه عکاظ، ش ۵۲۱۵، مورخ ۲۷/۹/۲۰۱۵م.

مطبوعاتی خود در روز وقوع حادثه گفت:

جمعیت هلال احمر عربستان، ساعت ۹:۴۴ صبح روز پنجشنبه با دریافت نخستین ابلاغیه رسمی از مراجع ذی ربط، از وقوع حادثه مطلع و ۷ دقیقه بعد، نخستین آمبولانس هلال احمر وارد عمل شد و تا ساعت ۱۵:۱۶، ارسال ابلاغیه‌های بعدی به هلال احمر ادامه یافت.^۱

این تأخیر در اعلام وقوع فاجعه در شرایطی رخ داد که بنا به اظهارات مقامات امنیتی عربستان، بالگردهای گشت هوایی امن العام، هنگام وقوع حادثه بر فراز منطقه به گشت‌زنی مشغول بودند و تصاویر زنده‌ای از وقایع فاجعه منا مخابره کردند. پس به چه دلیل هلال احمر عربستان با این تأخیر وارد عمل شد؟

۲. جلوگیری نکردن از تداوم و گسترش فاجعه

با توجه به اشراف کامل مقامات سعودی بر حرکت توده‌های حجاج در منا و بهره‌گیری از تصاویر زنده تلویزیونی که به وسیله شبکه دوربین‌های مراقبتی در منا و بالگردهای گشت هوایی امن العام گرفته شده است، چنانچه نیروهای سعودی هنگام بروز فاجعه به موقع وارد عمل می‌شدند، از ورود دیگر حجاج به مسیرهای منتهی به محل حادثه جلوگیری به عمل می‌آوردند، مسیر خیابان‌های محل وقوع حادثه را یک طرفه اعلام می‌کردند، راه‌ها و خروجی‌های بسته را باز می‌کردند و حجاج را به سمت خروجی‌ها و فضاها موجود (چادرهای حجاج و ایستگاه‌های دفاع مدنی) هدایت می‌کردند تا از شدت فشار و ازدحام جمعیت کاسته شود، گستره زمانی و مکانی وقوع فاجعه محدود می‌شد و در نتیجه آمار تلفات کاهش می‌یافت.

ولی سعودی‌ها با به کارگیری نیروهای بی‌تجربه و در حال آموزش در مسیرها و خیابان‌های محل وقوع حادثه و بی‌توجهی آنها به عمق فاجعه و باز نکردن فضاها

۱. مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمعیت هلال احمر عربستان با روزنامه عکاظ، ش ۵۲۱۳، مورخ ۲۵/۹/۲۰۱۵م.

موجود در مربع‌های چادرهای حجاج و ایستگاه‌های دفاع مدنی مستقر در مسیرها و توصیه به حجاج مبنی بر برگشت از همان مسیر رفت، عملکردی منفی از خود در تعامل با وقایع پس از حادثه نشان دادند.

نیروهای امنیتی سعودی نه تنها دیر وارد عمل شدند، بلکه پس از گذشت دو ساعت از فاجعه با تشکیل زنجیره‌های انسانی از ورود امدادگران بعثه‌ها و نیروهای مردمی به نقاط اصلی محل وقوع حادثه جلوگیری به عمل آوردند. آنها همچنین مسیر خیابان ۲۰۴ به سمت جمرات را نیز از نقطه‌ای بعد از ایستگاه دوم دفاع مدنی بستند. حتی آمبولانس‌های هیئت‌های پزشکی حج سایر کشورها از جمله مرکز پزشکی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران پس از گذشت چند ساعت، فقط توانستند تا محدوده ایستگاه مزبور رفت و آمد کنند.^۱

۳. ارائه دیر هنگام خدمات پزشکی و درمانی به مصدومان حادثه

همان‌گونه که از اظهارات مقامات عربستان برمی‌آید، جمعیت هلال احمر و اورژانس وزارت بهداشت که مسئولیت ارائه خدمات درمانی و پزشکی به مصدومان فاجعه را بر عهده داشتند، با تأخیر زیاد وارد عمل شدند و همین امر موجب افزایش تعداد جان‌باختگان حادثه شد. بنا به اظهارات شاهدان عینی^۲، گروه‌های اولیه که به کمک مصدومان حادثه شتافتند، اعضای هیئت پزشکی حج الجزایر و سپس سودانی‌ها بودند و پس از آنها اعضای هیئت‌های پزشکی برخی از کشورها وارد عمل شدند؛ به طوری که خبرگزاری رسمی عربستان در گزارش خود در مورد فاجعه منا ناگزیر شد به حضور امدادگران داوطلب، اعم از زائران و خارجی‌های مقیم آن کشور برای نجات

۱. طبق اظهارات تعدادی از شاهدان عینی از حجاج ایرانی و غیر ایرانی.

۲. طبق اظهارات تعدادی از شاهدان عینی از حجاج ایرانی، ساعتی پس از حضور و فعالیت نیروهای داوطلب مردمی، نیروهای امداد و نجات سعودی عازم محل وقوع فاجعه شدند.

قربانیان حادثه و همچنین حضور آمبولانس‌های هیئت‌های پزشکی حج کشورهای اسلامی، مقابل بیمارستان‌های منا برای شناسایی حجاج مصدوم و جان‌باخته خود اعتراف کند.^۱

۴. سوء مدیریت در انتقال، نگهداری، شناسایی و تدفین اجساد جان‌باختگان فاجعه

سوء مدیریت سعودی‌ها هنگام جمع‌آوری، انتقال و نگهداری اجساد جان‌باختگان به اوج رسید. بنا بر اظهارات یکی از مقامات دولت عربستان سعودی، عملیات جداسازی مصدومان از جان‌باختگان حادثه از ساعت ۱۰ به بعد شروع و تا بعد از ظهر ادامه یافت. با پایان یافتن عملیات انتقال مصدومان به بیمارستان‌ها، انتقال اجساد جان‌باختگان آغاز شد. جداسازی اجساد جان‌باختگان از مصدومان به دست نیروهای هلال احمر، دفاع مدنی و امنیتی که برای این کار فراخوانده شده بودند، صورت گرفت. اجساد جان‌باختگان با همکاری نیروهای مزبور و عوامل شهرداری مکه مکرمه به دست خودروهای مختلف از محل تخلیه شد. برخی از حجاج داوطلب حاضر در صحنه با دفاع مدنی برای امدادسانی به قربانیان حادثه همکاری کردند.^۲

یکی از منابع خبری با استناد به گفته‌های شاهدان عینی فاجعه منا بیان داشت که نیروهای شرکت‌کننده در عملیات تشخیص فوت یا زنده بودن قربانیان حادثه، به ویژه نیروهای امنیتی، دفاع مدنی و شهرداری، دچار خبط و سردرگمی شدند و افراد بیهوش، ولی زنده را به عنوان متوفی در تریلی‌های حمل جسد قرار دادند؛ درحالی‌که اگر خدمات اورژانسی لازم به آنها ارائه می‌شد، زنده می‌ماندند. در ادامه گزارش آمده است: نیروهای امنیتی عربستان فقط در تلاش بودند تا بر فاجعه سرپوش بگذارند. آنها برای جلوگیری از اطلاع‌رسانی، تلفن‌های همراه و کارت حافظه حجاج را مصادره کردند.

۱. گزارش خبرگزاری عربستان (واس) در مورد فاجعه منا، مورخ ۱۱/۱۲/۱۴۳۶ ه.ق.

۲. اظهارات سرگرد احمری، معاون فرماندهی دفاع مدنی عربستان، در گفت‌وگو با روزنامه عکاظ، ش ۵۲۱۵، مورخ

۲۷/۹/۲۰۱۵ م.

روزنامه مزبور به نقل از شاهدان عینی مغربی تأکید داشت سعودی‌ها تلاش می‌کردند به هر قیمتی که شده، خیابان‌های محل وقوع حادثه را تخلیه کنند. آنها برای تسریع در تخلیه خیابان‌ها، اجساد را تا واپسین ساعت‌های شب، به وسیله تریلی‌های یخچال‌دار انتقال می‌دادند. نویسنده روزنامه مذکور به نقل از حجاج مغربی، حادثه منا را بسیار هولناک توصیف کرد و عملکرد نیروهای سعودی در امداد و نجات قربانیان آن را بسیار هولناک‌تر دانست. حجاج مغربی اظهار داشته‌اند، صحنه‌هایی را در محل وقوع فاجعه مشاهده کردند که خاطره کشته‌های جنگ‌های قرون وسطی و کوره‌های انسان‌سوزی نازی‌ها را زنده کرد.^۱

اجساد جان‌باختگان، ساعت‌ها زیر آفتاب سوزان بر زمین ماند و سعودی‌ها به هیچ‌یک از افراد بعثه‌های حج کشورهای اسلامی اجازه ندادند به اجساد نزدیک شوند و حتی مانع عکس گرفتن از آنها شدند. در نتیجه فرصت گران‌بهایی را برای شناسایی اجساد از آنها گرفتند. شاید یکی از دلایل تأخیر سعودی‌ها در انتقال اجساد، فراخوانی افسران واحدهای تحقیقات جنایی امن‌العام از سرتاسر ایالت‌ها و استان‌های عربستان بود؛ زیرا انتقال و شناسایی اجساد باید زیر نظر آنها صورت می‌گرفت و عزیمت آنها از شهرهای مختلف به منا، زمان‌بر بود.

سعودی‌ها علاوه بر تریلی‌های ویژه انتقال اجساد متعلق به شهرداری ایالت مکه مکرمه، از تریلی‌های حمل اجساد متعلق به ارگان‌های مختلف از جمله ۳۰ دستگاه آمبولانس متوفیان متعلق به انجمن خیریه جامع المهاجرین مکه مکرمه استفاده کردند؛ ولی این تعداد از خودروهای استاندارد حمل جسد که به قفسه‌های چند طبقه چرخ‌دار مجهز بودند، پاسخگوی حمل این تعداد از اجساد نبود. به همین خاطر پس از بازدید

۱. اظهارات روزنامه الصباح، مورخ ۲۰۱۵/۱۹/۲ م به نقل از شاهدان عینی فاجعه (تعدادی از زائران مغربی که در محل وقوع حادثه حضور داشتند، از جمله یک زائر زن ۵۰ ساله مغربی اهل شهرستان سلا و حاج عابد اکنوا، زائر ۷۰ ساله مغربی که در فاجعه منا مصدوم و بیهوش شده بود، یک زائر زن جوان مغربی به نام خدیجه اکنوا اهل رباط و...).

امیر مکه از خیابان‌های ۲۰۴، ۲۰۶ و ۲۲۳، دستور داده شد از تریلی‌های یخچال‌دار ویژه حمل مواد غذایی متعلق به شرکت‌های سعودی، برای حمل و انتقال اجساد استفاده شود. سعودی‌ها در همان وهله اول دریافتند که سردخانه‌های محل نگهداری اجساد در مکه مکرمه، پاسخگوی این تعداد جسد نیست، ولی چون تصمیم داشتند با دفن کردن اجساد، اوضاع را به سرعت تحت کنترل خود درآورند، از تریلی‌های یخچال‌دار ویژه حمل مواد غذایی استفاده کردند تا شاید بتوانند اجساد را برای مدت کوتاهی نگهداری و سپس دفن نمایند. ولی شناسایی و تعیین تکلیف اجساد طول کشید و چون اجساد به صورت روی هم در تریلی‌های فاقد استانداردهای لازم برای نگهداری بیش از چند ساعت قرار داده شده بود، با معضل متعفن شدن اجساد مواجه شدند. آنها درحالی که می‌توانستند اجساد را به سردخانه‌های شهرهای دیگر از جمله جده، طائف، رابغ و مدینه منوره منتقل کنند، به نگهداری آنها در سالن‌های انتظار و کالبدشکافی مجتمع معیصم ادامه دادند؛ در حالی که سالن‌های مزبور فاقد استانداردهای لازم برای نگهداری اجساد بودند.

سعودی‌ها همچنین اجساد را در کانتینرهای یخچال‌دار مستقر در محوطه بیرونی مجتمع مزبور و در اماکن دیگر نگهداری کردند به طوری که بیش از ۲۰ دستگاه تریلی یخچال‌دار، حامل اجساد جان‌باختگان را در دو نقطه از عرفات به دور از دید مردم قرار دادند و در حدود ۱۵ دستگاه تریلی دیگر، مقابل مجتمع معیصم و در محوطه آن در انتظار تخلیه اجساد متوقف بود. البته پس از چند روز، ۲۰۰۰ جسد را به سردخانه‌های خارج از شهر مکه مکرمه منتقل ساختند که دیر شده بود. برخی از سردخانه‌های جده از قبیل سردخانه بیمارستان الصحه النفسیه جده، گنجایش ۴۰۰ جسد را داشت، ولی چون تمام تلاش آنها متوجه جمع و جور کردن ماجرا و جلوگیری از پی بردن آرای عمومی به عمق فاجعه بود، در ابتدا این کار را نکردند و تصمیم گرفتند اجساد را دفن کنند.^۱

۱. گزارش روزنامه الیوم السابع چاپ مصر، مورخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵م.

گفتار پنجم: بررسی کیفری فاجعه منا؛ مرگ حجاج یا قتل آنها؟

برای بررسی این مسئله که آیا می‌توان مرگ حجاج را در منا قتل عمد یا غیر عمد محسوب کرد و دولت عربستان را مسئول آن دانست، ابتدا لازم است شرایط مادی و روانی قتل را بررسی کنیم تا روشن شود آیا مرگ حجاج بیت الله الحرام، با شرایط مادی و روانی قتل بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مطابقت دارد یا خیر؟ و سپس مسئولیت کیفری مرتکبان این فاجعه را مورد مذاقه قرار داد.

۱. شرایط مادی قتل

عنصر مادی جرم را نمی‌توان آن‌گونه که برخی تصور می‌کنند، تنها شامل رفتاری دانست که از مرتکب سر می‌زند؛ بلکه باید گفت عنصر مادی جرم، دارای سه جزء است. اولین جزء عنصر مادی، عبارت است از رفتار فیزیکی که با توجه به توصیفی که قانون‌گذار از هر جرم کرده است، می‌تواند فعل یا ترک فعل باشد. دومین جزء عنصر مادی که عبارت است از مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که قانون‌گذار وجود یا فقدان آنها را برای تحقق جرم ضروری دانسته است. سومین جزئی که برای تکمیل عنصر مادی جرم لازم است، وقوع نتیجه مشخص شده از سوی قانون‌گذار است.^۱ نگارنده در این مقاله به منظور جلوگیری از اطاله کلام، فقط به بررسی رفتار فیزیکی در جرم قتل می‌پردازد.

منظور از رفتار فیزیکی در جرم قتل، رفتاری است که از مرتکب سر می‌زند و منتج به نتیجه مورد نظر، یعنی مرگ می‌شود. در مورد ماهیت رفتار مرتکب در جرم قتل، بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دو سؤال مهم مطرح می‌شود: اولاً، آیا این رفتار لزوماً باید به شکل فعل مثبت باشد یا می‌تواند شکل ترک فعل هم به خود بگیرد؟ ثانیاً، آیا مباشرت مرتکب، در قتل شرط است یا این جرم، به تسبیب هم ارتکاب‌پذیر است؟

۱. جرایم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی ۱)، حسین میرمحمد صادقی، ص ۲۳.

در پاسخ به سؤال اول باید گفت که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ترک فعل را نیز به صراحت و با وجود شرایطی، موجب تحقق جنایت دانسته است. مطابق ماده ۲۹۵ قانون مذکور، «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است، جنایت حاصله به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض است...». بنابراین بر اساس ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای تحمیل مسئولیت بر تارک فعل در حقوق ایران، شرایطی ضروری است:

الف) وجود وظیفه قانونی

اولین شرط، وجود یک وظیفه قانونی (و نه صرفاً اخلاقی) است. ولی منظور از قانون، صرفاً قانون جزا نیست، بلکه سایر قوانین لازم‌الاجرا را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین در مواردی که دولت یا سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی، قراردادهایی را برای انجام وظیفه خاصی منعقد می‌کنند و طبق آن قرارداد، افراد مذکور انجام کارهایی را بر عهده می‌گیرند، می‌توان گفت که این افراد به موجب ماده ۱۰ قانون مدنی، ملزم به اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای مذکور هستند و در نتیجه اجرا نکردن این وظیفه قانونی، برای آنان تعهدآور خواهد بود.

ب) وجود رابطه سببیت

شرط دوم برای انتساب نتیجه، یعنی مرگ به تارک فعل، وجود رابطه سببیت است که ماده ۲۹۵ با ذکر عبارت «به سبب آن جنایتی واقع شود»، بر این شرط تأکید کرده است. به عبارت دیگر در صورتی می‌توان تارک فعل را به دلیل مرگ دیگری مسئول دانست که این نتیجه، از ترک فعل وی ناشی شده باشد؛ بنابراین در صورت وجود یک عامل مستقل دیگر که مرگ قابل استناد به آن باشد، تارک فعل را نمی‌توان مسئول نتیجه حاصل دانست.

ج) توانایی تارک فعل بر انجام اقدام مورد نیاز

شرط سوم برای مسئول شناختن تارک فعل در قبال مرگ حاصل از ترک فعل، همان‌طور که ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی هم به صراحت به آن اشاره کرده است، توانایی او برای انجام دادن اقدام مورد نیاز است.

اما در پاسخ به سؤال دوم که پیش از این مطرح شد، باید گفت که گاه مرتکب، مستقیماً موجب بروز جنایتی می‌شود؛ به گونه‌ای که عرف بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی، نتیجه را منتسب به وی می‌داند. این را مباشرت در جنایت می‌نامند که به موجب ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، منظور آن است که «جنایت مستقیماً از سوی خود مرتکب واقع شود» که این حالت شامل مواردی مانند تیراندازی، فشردن گلو، چاقو زدن و نظایر اینها می‌شود.

از سوی دیگر، گاه مرتکب، بدون آنکه مستقیماً مرتکب جنایت شود، سبب بروز آن را مع‌الواسطه فراهم می‌آورد. مواردی مانند کندن چاه، مسموم کردن غذا، سنگ گذاشتن در محل عبور دیگری و نظایر اینها در صورتی که موجب بروز جنایت شود، تسبیب در جنایت نامیده می‌شود. ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی، تسبیب در جنایت را به شکل ذیل تعریف کرده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود؛ به صورتی که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی‌شد...».

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در ماده ۴۹۲، به تبعیت از اکثریت فقهای شیعه و سنی، جنایت را اعم از اینکه به مباشرت یا تسبیب انجام شده باشد، موجب مسئولیت مرتکب دانسته است. بدیهی است، چگونگی این مسئولیت از لحاظ عمدی محسوب شدن یا نشدن و نوع مجازات، بستگی به عنصر روانی مرتکب در هر حالت دارد.^۱

پس از بیان مقدمه پیش‌گفته، لازم است به این بحث پرداخته شود که آیا مرگ

۱. همان، صص ۴۷ و ۴۸.

حجاج در منا با شرایط مادی قتل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطابقت دارد یا خیر؟ با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی، ترک فعل را با وجود شرایطی موجب تحقق جنایت دانسته است، پس این نقد وارد نیست «با توجه به اینکه هیچ یک از نیروهای پلیس عربستان یا مسئولان سعودی دولت عربستان، با فعل خود موجب قتل حجاج نشده‌اند، پس نمی‌توان مرگ حجاج را قتل محسوب کرد»؛ زیرا همین که در اثر ترک فعل مسئولان دولت عربستان و نیروهای پلیس، قتل رخ داده است، بر اساس ماده ۲۹۵ قانون مذکور، اگر شرایط پیش‌گفته در قانون، وجود داشته باشد، با توجه به رکن روانی، می‌تواند قتل عمدی یا غیر عمدی باشد.

نکته مهم این است که با توجه به مطالبی که بیان شد، پرواضح است که پلیس عربستان و نیروهای امنیتی سعودی، اگر نه با فعل، بلکه با ترک فعل‌های خود، سبب وقوع این فاجعه و حتی بالا رفتن آمار کشته‌شدگان پس از وقوع حادثه شده‌اند؛ زیرا این فاجعه در حالی رخ داد که سیستم‌های امنیتی مدرن شرکت G4S مانند سیستم‌های کنترل جمعیت با دوربین‌های بسیار مجهز و تجهیزات بسیار پیشرفته رایانه‌ای و تصاویر آنلاین هوایی، این امکان را به مسئولان برگزاری مراسم رمی جمرات می‌داد که بتوانند ازدحام جمعیت را به خوبی کنترل، و از بروز این فاجعه جلوگیری کنند. اما با وجود تجهیزات پیشرفته و مدرن شرکت G4S در مکه، نیروهای امنیتی جلوی وقوع این حادثه را نگرفتند.

علاوه بر این، پلیس عربستان و مسئولان سعودی، می‌توانستند با باز کردن مسیر خیابان‌های فرعی، برداشتن نرده‌های آهنی مستقر در مسیر حجاج، هدایت زائران به سمت مسیرهای دیگر، قرار دادن امکانات تهویه هوا در مسیر خیابان ۲۰۴ و آب‌رسانی هوایی و به موقع، از وقوع حادثه جلوگیری کنند. همچنین تعلل نیروهای دولت عربستان سعودی پس از وقوع حادثه در امداد و یاری رساندن به حادثه‌دیدگان یا امدادرسانی‌گریزی آنان به قربانیان، به افزایش شمار کشته‌شدگان منجر شد. به عبارت

دیگر، دولت عربستان در خدمت‌رسانی امدادی به مجروحان، بسیار ضعیف عمل کرد و تنها نظاره‌گر مرگ قربانیان بود.^۱

اما همان‌گونه که بیان شد، یکی از شرایط تحمیل مسئولیت بر تارک فعل، داشتن وظیفه قانونی است؛ بنابراین لازم است که به بررسی این مسئله پرداخته شود که مبنای مسئولیت دولت عربستان چیست و بر اساس چه قوانین و مستنداتی دولت عربستان مسئول حفظ جان زائران است. تعهداتی که دولت‌ها در قبال حقوق بیگانگان و اتباع خارجی دارند، مبتنی بر منابعی چون تعهدات یک‌جانبه، تعهدات دوجانبه و تعهدات عام بین‌المللی بر اساس کنوانسیون‌ها و عرف بین‌المللی است.

در خصوص تعهد یک‌جانبه، عربستان، دولتی اسلامی است که باید رعایت موازین اسلامی و فقهی را داشته باشد و حفاظت این دولت از اتباع بیگانه، مبتنی بر ایمان و پیمان است و هر مسلمانی باید مورد توجه دولت عربستان باشد. همچنین بر اساس شرع اسلام، میزبان، مسئول حفظ جان مهمان از لحظه ورود تا لحظه خروج است. اینکه دولت عربستان اجازه صدور ویزا را به زائران داده، به معنای این است که از لحظه ورود زائران به قلمروی عربستان تا لحظه خروج آنان مسئولیت حفاظت از جان و مال زائران را بر عهده گرفته است.

در خصوص تعهدات دوجانبه بین ایران و عربستان، سه موافقتنامه وجود دارد. مهم‌ترین آنها شامل موافقتنامه مودت بین دولت ایران و عربستان، مصوب سال ۱۳۰۸ ه. ش است که در آن در مورد دولت‌های ایران و عربستان به صراحت به حمایت از اتباع دو کشور در قلمروی هر کدام پرداخته شده است و ماده سوم آن در مورد حجاج ایرانی مدون شده است که دولت عربستان متعهد است نسبت به آنان، از هر حیث، مانند سایر حجاجیان رفتار کند و وسایل امنیت و آسایش آنها را فراهم کند:

۱. مستند حقیقت گمشده، ۱۳۹۴/۹/۸ ه. ش.

هر یک از طرفین معظمین متعاهدین، متعهد می‌شوند که اتباع طرف متعاهد دیگر را در مملکت خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کامله الوداد از آن بهره‌مند می‌شوند، برخوردار سازند. حکومت اعلیٰ حضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن، متعهد می‌شود که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حجاجی که به بیت الله الحرام می‌روند، معامله و رفتار نموده و اجازه ندهد که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها، هیچ‌گونه مشکلی ایجاد شود و نیز تعهد می‌نماید که وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم کند.

همچنین موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی- فرهنگی بین دولت ایران و عربستان، مصوب ۱۳۴۶ و موافقتنامه همکاری‌های امنیتی مصوب ۱۳۸۰، از دیگر منابع تعهدات دو جانبه میان ایران و عربستان است. علاوه بر موارد پیش گفته، تفاهم‌نامه‌های زیارتی بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عربستان و همچنین تفاهم‌نامه‌های بین سازمان حج و زیارت ایران و عربستان نیز وجود دارد که همگی این مستندات، دلالت بر مسئولیت عربستان در تأمین امنیت و حفظ جان زائران ایرانی دارد.^۱

در خصوص کنوانسیون‌ها و عرف بین‌المللی نیز باید گفت که در این خصوص، مستنداتی به شرح ذیل وجود دارد:

۱. کنوانسیون ۱۹۶۱ که به موجب آن، دولت‌ها موظف هستند اتباع خارجی را در خاک خود حمایت کنند و آنان را از حقوق ابتدایی بهره‌مند سازند.

۲. کنوانسیون ۱۹۶۳ راجع به روابط کنسولی است که ایران نیز در سال ۱۳۵۳ ه. ش. به آن پیوست. این کنوانسیون، چهارچوبی حقوقی را فراهم می‌کند که طبق آن، دولت‌ها مسئول حفظ امنیت مالی و جانی اتباع دیگر کشورها هستند.

۳. ماده هفتم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ که بر اساس

۱. سخنرانی دکتر مصطفی فضائی (مدیرگروه حقوق بین‌الملل دانشگاه قم) در همایش بررسی ابعاد حقوقی بین‌المللی فاجعه منا در دانشگاه قم، ۱۳۹۴/۸/۱۹.

این ماده، هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیرانسانی و وحشیانه قرار گیرد و حق بر حیات، حق بر دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و آب آشامیدنی و حفظ حرمت و حیثیت انسانی نیز از دیگر مسایل حقوقی است که نقض آنها، تخطی از قواعد و اصول حقوق بشر را همراه داشته است.^۱

۴. سایر اسناد بین‌المللی از جمله آرای صادره از دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری (PICJ) یا دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، همچنین نهادهای داوری بین‌المللی و عرف بین‌المللی، مجموعاً بر این امر تأکید دارند که هرگونه فعل یا ترک فعل دولت که منجر به بروز خسارت به اتباع دیگر کشورها شود، موجب فراهم آوردن مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود.

از دیگر شرایط تحمیل مسئولیت بر تارک فعل، وجود رابطه سببیت بین ترک فعل و نتیجه واقع شده است. با توجه به توضیحات ارائه شده واضح است که این حادثه از ترک فعل پلیس و نیروهای امنیتی دولت عربستان ناشی شده است. به عبارت دیگر بین ترک فعل‌های واقع شده و حادثه به وقوع پیوسته، رابطه سببیت وجود دارد. نکته دیگر اینکه پلیس و نیروهای امنیتی سعودی، توانایی انجام افعال مورد نیاز برای جلوگیری از وقوع چنین فاجعه هولناکی را داشتند.

از سویی دیگر، اینکه هیچ فردی از پلیس عربستان یا نیروهای امنیتی سعودی مباشرتاً اقدام به قتل حجاج نکرده‌اند نیز نمی‌تواند در مسئول دانستن دولت عربستان ایراد و خللی وارد آورد؛ چراکه طبق ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جنایت را اعم از اینکه به مباشرت یا به تسبیب انجام شده باشد، موجب مسئولیت مرتکب دانسته است؛ بنابراین از این جهت نیز جنایتی که رخ داده، قابل انتساب به مسئولان و پلیس عربستان هست و از این لحاظ، مسئولیت این قتل‌ها می‌تواند دامن‌گیر

۱. سخنرانی کاظم رحیم‌آبادی (معاون امور بین‌الملل ستاد حقوق بشر) در همایش بررسی راهکارهای حقوقی پیگیری فاجعه منا در دانشگاه حقوق و علوم سیاسی تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۹.

اشخاص حقوقی شود. در اینجا به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است. توضیح تفصیلی در این خصوص در مبحث مربوطه خواهد آمد.

۲. شرایط روانی قتل

شرط لازم دیگر در خصوص مسئول شناخته شدن تارک فعل، وجود عنصر روانی لازم در وی است. به عبارت دیگر، برای اینکه تارک فعل به ارتکاب قتل عمدی محکوم شود، باید این نتیجه مورد تمایل و نظر او بوده باشد؛ یعنی وی این نتیجه را خواسته باشد؛ بنابراین هرگاه ترک فعل، صرفاً ناشی از سهل‌انگاری و غفلت او بوده باشد، مسئولیت وی تنها ارتکاب قتل غیر عمدی خواهد بود؛ مگر اینکه ترک فعل، نوعاً کشنده یا مجروح‌کننده باشد. به سخن دیگر به قرینه بند ب و پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه فردی عمداً فعلی را ترک کند که ترک آن فعل نوعاً موجب وقوع جنایت شود، هرچند قصد وقوع آن جنایت را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه باشد که ترک آن فعل، موجب وقوع جنایت یا نظیر آن می‌شود یا فردی قصد وقوع جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و فعلی را هم که ترک کرده است، نسبت به افراد متعارف، نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، ولی در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی، نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود؛ مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی، آگاه و متوجه باشد، جنایت واقع شده عمدی خواهد بود.

این شرط نشان می‌دهد که هر چند با توجه به بحث نسبتاً مفصل پیش‌گفته، امکان محکوم کردن تارک فعل به ارتکاب عمدی قتل از لحاظ حقوق ایران و بسیاری از کشورهای دیگر وجود دارد و این امر به طور کلی منتفی نیست، ولی در عمل، اثبات

اینکه تارک فعل، صرفاً سهل‌انگاری نکرده، و خواسته قطعی وی از ترک فعل، رسیدن به نتیجه مورد نظر بوده است، جانی عمدی محسوب کردن او، بسیار مشکل خواهد بود. به این ترتیب در بسیاری از موارد، تارک فعل، با وجود داشتن شرایط سه‌گانه (وجود وظیفه قانونی، وجود رابطه سببیت و توانایی تارک فعل بر انجام اقدام مورد نیاز)، تنها به ارتکاب جرایم غیر عمدی علیه اشخاص محکوم می‌شود. برای مثال در حقوق انگلستان، با وجود اینکه در برخی از پرونده‌های استثنایی، حکم به ارتکاب قتل عمدی از سوی تارک فعل داده شده است، در بیشتر موارد، عنصر روانی لازم برای جرم عمدی، اثبات نشده و حکم به ارتکاب جنایت غیر عمدی داده شده است.^۱

بنابراین در خصوص فاجعه منا هم اگرچه شرایط سه‌گانه تارک فعل برای مسئول دانستن دولت عربستان در خصوص فاجعه منا موجود است، اما به دلیل در دست نداشتن مستندات و دلایل قطعی دال بر اینکه قصد مسئولان دولت عربستان از ترک فعل‌هایی که صورت گرفته است، رسیدن به نتیجه مورد نظر بوده و جنایت واقع شده عمدی بوده، بسیار مشکل است. قدر متیقن این است که صدمات و حوادث و جنایات واقع شده را اگر نتوان یک جنایت عمدی محسوب کرد، می‌توان در چارچوب یک اقدام غیر عمدی به پلیس عربستان و مسئولان مدیریتی حج و حتی دولت عربستان قابل انتساب دانست.

به عبارت دیگر، به قرینه بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هرگاه جنایت به سبب تقصیر تارک فعل واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد، جنایت واقع شده، شبه‌عمدی محسوب می‌شود. منظور از تقصیر نیز به موجب تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی (تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب

۱. جرایم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی ۱)، ص ۴۶.

می‌شود) واضح است که فاجعه منا در اثر تقصیر دولت عربستان واقع شده است و دولت سعودی، مسئول این فاجعه است.

۲. مسئولیت کیفری مرتکبان فاجعه منا

یکی از موضوعات اصلی و مهم حقوق کیفری، بحث راجع به مسئولیت جزائی اشخاص حقیقی و حقوقی است. شخص حقیقی که مرتکب جرم شده است، کسی است که از توانایی ادراک و قدرت اراده و حق انتخاب نسبت به اعمال و رفتارش برخوردار است؛ بنابراین او مسئول اعمالش شناخته می‌شود و می‌توان در این خصوص او را مورد بازخواست قرار داد. به این ترتیب شخص حقیقی، پاسخگوی اعمال و رفتار مجرمانه‌اش خواهد بود و می‌تواند به عنوان مباشر یا شریک یا معاون جرم، تحت تعقیب کیفری قرار گیرد.^۱

در مقابل، اشخاص حقوقی قرار دارند که ناظر به گروه‌ها و جمعیت‌های متشکل از افراد انسانی هستند. در واقع شخص حقوقی به آن «گروه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌هایی گفته می‌شود که حقوق و تکالیف مشترک و متمایز از حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده‌اند، دارا هستند». بدین گونه نهادهای مذکور می‌توانند از آنچه قانون برای اشخاص حقیقی از حقوق و تکالیف، مقرر کرده است برخوردار شوند؛ مگر حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد.^۲

حال پرسش این است که آیا می‌توان برای اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری قائل شد؟ در پاسخ باید گفت که گسترش حجم و میزان فعالیت‌های اشخاص حقوقی در تمامی زمینه‌ها، ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری آنها را فراهم ساخته است. با توجه به اینکه روز به روز بر تعداد اشخاص حقوقی افزوده می‌شود، زیان‌های ناشی از فعالیت آنها رو به فزونی نهاده است. در نتیجه عدم مسئولیت کیفری آنها می‌تواند منافع جامعه و مردم

۱. شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، محمد صالح ولیدی، ص ۹۳.

۲. حقوق جزای عمومی، پرویز صانعی، ص ۲۱.

را به خطر بیندازد. ضمن آنکه اشخاص حقوقی، تمکن و قدرت مالی بیشتری برای پرداخت مجازات‌هایی نظیر جزای نقدی دارند؛ بنابراین در نظر گرفتن اصل مصلحت عامه و جامعه، اقتضا می‌کند برای اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری قائل شویم.^۱

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است که می‌توان آن را گامی رو به جلو تلقی کرد. قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، بحث پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، با ابهام و تردید نگریده می‌شد؛ اما بر اساس ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در صورتی که شخص حقوقی مرتکب جرمی شود، مسئول شناخته شده و به مجازات مقرر در قانون، محکوم می‌شود و این امر مانع از مجازات شخص حقیقی مرتکب جرم نیست.

همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید، در صورت احراز رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و جنایت انجام گرفته، امکان مطالبه دیه از شخص حقوقی وجود دارد. البته همان‌طور که بیان شد، امکان اعمال مجازات‌های تعزیری مذکور در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی هم بر شخص حقوقی (مشروط بر وجود شرایط مذکور در ماده ۱۴۳ قانون مزبور) وجود دارد.^۲

بعد از مقدمه نسبتاً مفصل پیش‌گفته، این مسئله روشن می‌شود که در خصوص جنایات رخ داده در منا، هم می‌توان اشخاص حقیقی مقصر را مسئول جنایت واقع شده دانست و هم می‌توان اشخاص حقوقی را در صورت احراز رابطه علیت بین رفتار ارتکابیشان و جنایت به وقوع پیوسته، مسئول دانست و بر اساس تبصره م ۱۴، امکان مطالبه دیه و جبران خسارات وارد شده از آنان را مطالبه کرد. به عبارت دیگر در صورتی که اثبات شود جنایت واقع شده، منتسب به پلیس عربستان و نیروهای پلیس

۱. حقوق کیفری عمومی، حسین آقایی جنت‌مکان، صص ۱۵ و ۱۶.

۲. جرایم علیه اشخاص (حقوق کیفری اختصاصی ۱)، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

زیر دست یا مسئول اداره مراسم حج و زیارت دولت عربستان یا مسئول نیروهای امنیتی سعودی و... و به اشخاص حقوقی دولت عربستان سعودی است، می‌توان آنها را بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار داد.

۴. صلاحیت محاکم در مورد قتل‌های ارتكابی

بحث مهم دیگری که مطرح می‌شود، بحث صلاحیت قضایی محاکم ایران برای رسیدگی به جنایات واقع شده در مناست. سؤال اساسی این است که آیا دادگاه‌های ایران، صلاحیت رسیدگی به جنایات واقع شده را دارند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که محاکم ایران، صلاحیت رسیدگی به جنایت واقع شده در منا را براساس صلاحیت سرزمینی و صلاحیت شخصی منفعل دارا هستند. در ادامه به بررسی تفصیلی این دو صلاحیت می‌پردازیم:

الف) صلاحیت سرزمینی (*territorial jurisdiction*)

اصل صلاحیت سرزمینی، یکی از اساسی‌ترین اصول صلاحیت قوانین کیفری است که از ابتدای تشکیل دولت‌ها وجود داشته است. این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان ادعا کرد بدون وجود آن، اقتدار و حاکمیت یک کشور، معنای خود را از دست می‌دهد.

این امر که دولتی بتواند جرایم ارتكابی در داخل قلمروی حاکمیت خود را تحت تعقیب قرار دهد، تجلی منطقی اعمال حاکمیت یک کشور مستقل و کاملاً معقول است؛ زیرا مقامات یک کشور، مسئول اجرای قانون و حفظ نظم در داخل کشور خود هستند.^۱

به موجب این اصل، کلیه جرایم ارتكابی در داخل قلمروی حاکمیت یک کشور، مطابق قوانین آن کشور قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است؛ اعم از اینکه مرتکب آن، تبعه کشور یا بیگانه باشد. در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی، لازم است احراز شود که

۱. حقوق بین‌الملل، ملکم شاو، ترجمه محمدحسین وقار، ص ۴۰۱.

جرم در قلمروی حاکمیت دولت واقع شده است. قلمروی حاکمیت دولت، مشتمل بر قلمروی زمینی، قلمروی دریایی و قلمروی هوایی است و جرایم ارتكابی در آنها، اصولاً داخل در صلاحیت دولتی است که حاکمیت بر این مناطق را داراست.^۱

ماده ۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در خصوص صلاحیت سرزمینی ایران وضع شده است. بر اساس این ماده، «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمروی حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است». در خصوص این ماده، ذکر این نکته لازم است که منظور از قسمتی از جرم، یکی از اجزای رکن مادی جرم است. این امر از فحوای ماده ۴ نیز استنباط شدنی است؛ چراکه این ماده در توضیح بیان خود، از عبارات «قسمتی از جرم» و «نتیجه آن» صحبت می‌کند و همان‌طور که می‌دانیم، رکن مادی هر جرم، از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود که سه جزء عمده آن عبارت است از عمل مرتکب، نتیجه مجرمانه و رابطه علیت؛ با این توضیح که در جرایم مطلق، نیازی به حصول نتیجه مجرمانه و به تبع آن، احراز رابطه علیت نیست.

بنابراین اگر در ایران، عملی مرتکب و در خارج، نتیجه مجرمانه آن تحقق یافته باشد یا بر عکس، رسیدگی به جرم مذکور، مطابق اصل صلاحیت سرزمینی در صلاحیت دادگاه‌های ایران است. در نتیجه در این مورد، بحث از صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمروی حاکمیت، اساساً مطرح نیست.^۲

پس از بیان مطالب پیش‌گفته و با توجه به اینکه برخی از صدمات، به عنوان نتیجه فاجعه‌ای که در منا رخ داد، در ایران واقع شده است، بنابراین دادگاه‌های ایران، طبق ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، دارای صلاحیت سرزمینی برای رسیدگی به این دسته از

۱. «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، علی خالقی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۲، ص ۴۷.

۲. «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل»، حسن پوریافرانی، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ش ۱۲، ص ۱۷۰.

صدمات واقع شده بر حجاج ایرانی هستند. به عبارت دیگر، به اعتبار حاصل شدن نتیجه در ایران، محاکم ایران صلاحیت قضایی برای رسیدگی به این دسته از جرایم را دارند.

ب) صلاحیت شخصی منفعل (the passive personality principle)

اکتفا کردن به اصل صلاحیت سرزمینی که اقتضای آن، تنها رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشور است، سبب بی‌کیفر ماندن اعمال کسانی می‌شود که در خارج از کشور مرتکب جرم شده‌اند؛ از این رو ممکن است بزه‌کاران با توجه به سهولت سفر به کشوری دیگر، از خاک یک کشور خارجی برای تحقق نتیجه مورد نظر خود در کشور خویش یا دیگر کشورها استفاده کنند و از تعقیب کیفری در محل بروز نتیجه اعمال مجرمانه خود، در امان بمانند، بنابراین برای تکمیل اصل صلاحیت سرزمینی، اصول دیگری نیز پیش‌بینی شده است که دولت را قادر به اعمال نوعی صلاحیت فرامرزی یا فراسرزمینی می‌کند؛ از جمله این اصول، اصل صلاحیت شخصی است که به رابطه میان شخص و دولت متبوع وی مربوط می‌شود؛ به گونه‌ای که دولت مزبور را برای رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی یکی از اتباع خود یا علیه آنها صالح می‌گرداند.

در صورت ارتكاب جرم از سوی یکی از اتباع دولت، صلاحیت کیفری ناشی از آن، صلاحیت شخصی فعال یا مثبت (The active personality principle) نامیده می‌شود. گونه دیگر این صلاحیت، ناشی از ارتكاب جرم علیه یکی از اتباع در خارج از کشور است و به آن صلاحیت شخصی منفعل یا منفی (The passive personality principle) می‌گویند.^۱

صلاحیت شخصی منفعل عبارت است از صلاحیت قوانین و دادگاه‌های یک دولت نسبت به جرایم ارتكابی در خارج، علیه یکی از اتباع آن. طبق این اصل، دادگاه‌های یک کشور می‌توانند به جرمی که در خارج از قلمروی این کشور از سوی یک خارجی

۱. «مقدمه‌ای بر اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، صص ۵۰ و ۵۱.

ارتکاب یافته است، رسیدگی کنند، تنها به این دلیل که جرم علیه یکی از اتباع آن ارتکاب یافته است.^۱

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، در ماده ۸ اصل صلاحیت شخصی منفعّل را با رعایت شرایطی پذیرفته است. این در حالی است که کشورهای زیادی از جمله فرانسه، ایتالیا، سوئیس، آلمان، بلژیک و... این اصل مهم حقوق جزای بین‌الملل را پذیرفته‌اند و پذیرش آن از سوی قانون‌گذار مقنن ایران نیز هیچ مغایرتی با اصول حقوق جزای بین‌الملل ندارد. همچنین پذیرش این اصل هیچ مغایرتی با موازین شرعی نیز ندارد؛ چراکه مطابق موازین شرعی، در هر کجا که جرمی علیه اتباع کشور اسلامی صورت گیرد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های کشور اسلامی است. به علاوه به نظر می‌رسد نپذیرفتن این اصل، خلاف منافع ملی کشور نیز هست.^۲ اصل صلاحیت شخصی منفعّل، بدون قید و شرط نیست و اعمال آن منوط به شرایطی است که در ذیل به بیان آنها می‌پردازیم.

یک- مجرمانه بودن عمل ارتكابی در کشور محل وقوع جرم

برای اعمال صلاحیت شخصی منفعّل، لازم است عمل ارتكابی، علاوه بر کشور متبوع قربانی جرم، در کشور محل وقوع آن هم مجرمانه و قابل مجازات باشد. این اصل به شرط مجرمیت متقابل (Double criminality) معروف است.

در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، به موجب بند ب این ماده، شرط مجرمیت متقابل فقط در جرایم موجب تعزیر، پذیرفته شده است. در ماده ۸ آمده است:

۱. «حمایت کیفری از اتباع: جنبه فراموش‌شده اصل صلاحیت شخصی در ایران»، خالقی، مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، ش ۶۰، ص ۱۷۴.

۲. «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه

مفید، ص ۹۷.

هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران، علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر، به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. به عبارت دیگر، بر اساس قانون مجازات اسلامی، اگر جرم رخ داده در کشور دیگر علیه تبعه ایرانی از نوع تعزیری باشد در صورتی برای دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به این جرم ایجاد می‌شود که بر اساس قانون محل وقوع جرم هم، این عمل، مجرمانه محسوب شود. اما اگر جرم رخ داده از نوع حدود و قصاص و دیات باشد، دیگر شرط مجرمانه بودن متقابل، ضرورتی ندارد.

دو- اهمیت جرم ارتكابی

تقریباً همه کشورها جرایم را از حیث شدت و ضعف مجازات، به سه درجه جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌کنند. مجازات جرایم جنایی، بسیار سنگین، مجازات جرایم جنحه‌ای، متوسط و مجازات جرایم خلافی، بسیار ناچیز است. بدیهی است که دستگاه قضایی یک کشور، نمی‌تواند و نباید وقت و هزینه خود را صرف رسیدگی به جرایم کم‌اهمیتی مانند جرایم خلافی و بسیاری از جرایم جنحه‌ای کند که در خارج از کشور علیه اتباع او ارتكاب یافته است. این امر علاوه بر اینکه وقت و هزینه دستگاه قضایی را به خود مصروف می‌دارد، اساساً مورد نیاز هم نیست؛ به خصوص که در مورد این اصل، شائبه نوعی (مداخله در حاکمیت سایر کشورها) و نیز (بی‌انصافی نسبت به متهم) نیز وجود دارد.^۱

بر همین اساس، یکی از شرایط دیگری که برای اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل در نظر گرفته شده، این است که جرم ارتكابی علیه تبعه، باید از جرایم بااهمیت باشد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که جرایم بر اساس شیوه مجازاتشان به

۱. دوره حقوق جزای عمومی، مرتضی محسنی، ج ۱، ص ۴۱۳.

تعزیرات، حدود، قصاص و دیات تقسیم‌بندی شده است (که البته در خصوص دیه هم بسیاری از حقوقدانان دیه را به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، مجازات محسوب نمی‌کنند) اصل صلاحیت شخصی منفعل، هم در تعزیرات و هم در حدود و قصاص و دیات، پذیرفته شده است. این در حالی است که کشورهای مختلف از جمله فرانسه این اصل را صرفاً در مورد جرایم با اهمیت اعمال می‌کنند. همچنین در ایالات متحده آمریکا نیز از این اصل در مورد جرایم تروریستی استفاده می‌شود.^۱

سه- عدم رسیدگی قبلی

شرط عدم رسیدگی قبلی، نتیجه اصل مسلم و اساسی حقوق جزای بین‌الملل، یعنی اصل منع محاکمه مجدد (The Prohibition of double trial) است. این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که مورد تأیید و تأکید میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ و نیز اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ قرار گرفته است. مسلم است که با ارتکاب جرم قبل از هر دولت دیگری، دولت محل وقوع آن، امر تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم را دنبال خواهد کرد. این امر که ناشی از اصل حاکمیت دولت‌هاست، بسیار بدیهی و واضح است. به این ترتیب اصولاً کشوری که جرم در آن اتفاق افتاده است، طبق اصل صلاحیت سرزمینی، به جرم ارتكابی رسیدگی خواهد کرد و اگر چنین امری تحقق یابد، طبق قاعده منع محاکمه مجدد، جایی برای اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل باقی نمی‌ماند.

در نتیجه می‌توان گفت که بر اساس اصل «منع محاکمه مجدد»، اگر شخصی بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی یا اصل صلاحیت شخصی، قبلاً تعقیب و محاکمه شده باشد، دیگر جایی برای تعقیب و محاکمه مجدد او وجود نخواهد داشت.

اما بر اساس ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲، شرط عدم رسیدگی قبلی یا منع محاکمه مجدد، تنها در جرایم تعزیری مورد پذیرش قرار گرفته

۱. «قانون حاکم بر جرم در حقوق بین‌الملل»، مفاضی، مجله حقوق امروز، ش ۲، ص ۲۹.

است؛ زیرا بر اساس ماده ۸، هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود (جرایم مربوط به اصل صلاحیت واقعی) و در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات، کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد. به عبارت دیگر در سایر جرایم موجب قصاص، حدود و دیات، کشور ایران می‌تواند رأساً به تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم بپردازد؛ هرچند چنین شخصی قبلاً مطابق قانون محل وقوع جرم، مجازات شده باشد.

چهار- مراجعت متهم به کشور

یکی دیگر از شروط اعمال صلاحیت شخصی منفعل توسط کشور متبوع قربانی، حضور متهم در داخل کشور است. بدیهی است در صورتی می‌توان متهم را در کشور متبوع قربانی، محاکمه و مجازات کرد که در دسترس مقامات قضایی کشور مذکور باشد؛ بنابراین همان‌گونه که در مورد اصل صلاحیت شخصی فعال، امکان محاکمه غیابی متهم وجود ندارد، در اینجا هم این امکان وجود ندارد؛ چون اساساً اصل صلاحیت شخصی منفعل، یک امر فرعی و تکمیلی است و اصل بر آن است که دولتی که جرم در آن واقع شده است، به آن رسیدگی خواهد کرد. شرط مراجعت متهم به کشور، در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تصریح شده است.^۱

با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحول بزرگی در خصوص صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران رقم زده است و طبق ماده ۸ قانون مذکور، صلاحیت شخصی منفعل را برای محاکم ایران پذیرفته است، بنابراین رسیدگی به جنایات واقع شده بر حجاج ایرانی در منا و تحت پیگرد قرار دادن مسببان این جنایت

۱. حقوق جزای بین‌الملل، حسن پوربافرانی، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

بزرگ و هولناک، در صلاحیت دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. ممکن است این مسئله مطرح شود که با توجه به اینکه یکی از شروط اعمال صلاحیت شخصی منفعل در محاکم ایران، یافت شدن متهم در ایران است، ولی از متهمان حادثه منا در ایران حضور ندارند؛ آیا این مسئله مانعی در اعمال این صلاحیت ایجاد نمی‌کند؟ اگرچه پاسخ به این سؤال به تفصیل در مبحث مربوط خواهد آمد، اما در اینجا به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که اگرچه برای محاکمه متهمان و مسببان فاجعه منا، حضورشان در ایران واجب و ضروری است، اما برای اعمال مقدماتی، کشف، تعقیب و تحقیق، نیازی به حضور آنها در ایران نیست. به عبارت دیگر، محاکم ایرانی می‌توانند اقدامات مربوط به کشف، تعقیب، تحقیق و اقدامات مقدماتی را انجام و تشکیل پرونده دهند. اگرچه در نهایت، هنگام رسیدگی در دادگاه، باید متهم یافت شود.

۵. اقدام قوه قضائیه به تعقیب و محاکمه قاتلان

فاجعه غم‌انگیز منا که به دلیل بی‌تدبیری دولت عربستان سعودی به یکی از مرگبارترین رویدادهای تاریخ حج تبدیل شد، نباید به دست فراموشی سپرده شود. بنابراین دولت جمهوری اسلامی ایران، باید مجدانه و قاطعانه به پیگیری حقوقی این فاجعه از تمامی طرق ممکن داخلی و بین‌المللی پردازد. به نظر می‌رسد همان‌طور که قبلاً بیان شد، پیگیری این جنایت از طریق دادگاه‌های ایران، بهترین راه ممکن برای پیگیری این جنایت بزرگ به حساب می‌آید. دادگاه‌های ایران بر اساس مواد ۴ و ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، صلاحیت ورود برای رسیدگی به این پرونده را دارند و از آنجا که سیستم قضایی در دولت جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر قاعده الزامی بودن یا قانونی بودن تعقیب است^۱ و نه قاعده مقتضی بودن یا مناسب بودن تعقیب^۲ بنابراین

۱. مطابق قاعده قانونی یا الزامی بودن تعقیب، نهاد یا مقام تعقیب، مکلف است همه جرایم را به نمایندگی از جامعه تعقیب کند.

۲. فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، بهروز جوانمرد، ص ۳۶؛ «مطابق این قاعده، تعقیب دعوی عمومی ممکن

است در مواردی به تشخیص نهاد تعقیب، معلق شود».

سیستم قضایی ایران، موظف است که به پیگیری این فاجعه پردازد و نباید خود را در گیر مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی کند؛ چراکه نظام قضایی ما، چنین مصلحت‌اندیشی‌هایی را نپذیرفته است؛ لکن برای تعقیب و محاکمه قاتلان منا، شرایطی وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط تعقیب

برابر ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲، دادستان کل کشور موظف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد، از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و بین‌المللی، پیگیری و نظارت کند.^۱ در این چارچوب است که شعبه‌ای خاص در دادسرای امور جنایی تهران برای ثبت شکایت، گزارش و مستندات مربوط به فاجعه منا تشکیل شده است. قوه قضائیه دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، هم در خصوص صدماتی که در نتیجه سوء مدیریت دولت عربستان سعودی در واقعه منا بر حجاج ایرانی، در ایران واقع شده است و هم در خصوص جرایم ارتكابی علیه حجاج ایرانی در منا، اقدام به کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی در دادسرا، حتی قبل از یافت شدن متهم در ایران کند. به عبارت دیگر برای انجام امور مذکور، نیازی به یافت شدن متهم در ایران نیست.

ب) شرایط محاکمه

در ارتباط با محاکمه متهمان فاجعه منا باید گفت که دادگاه‌های ایران، درخصوص صدماتی که در نتیجه سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی دولت عربستان سعودی در واقعه منا بر حجاج ایرانی، در ایران واقع شده است، حتی در صورت یافت نشدن متهم در ایران، می‌توانند محاکمه غیابی انجام دهند؛ چراکه دادگاه‌های ایران در خصوص این دسته از

۱. نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، علی خالقی، ص ۲۴۹.

جرایم، دارای صلاحیت سرزمینی هستند و اعمال این صلاحیت، منوط به یافت شدن متهم در ایران نیست. اما در خصوص جرایم واقع شده علیه حجاج ایرانی در منا، رسیدگی و محاکمه متهمان در دادگاه‌های ایران، منوط به یافت شدن متهم در ایران است و در خصوص این دسته از جرایم، محاکم داخلی نمی‌توانند قبل از یافت شدن متهمان در ایران، اقدام به محاکمه غیابی کنند؛ زیرا یکی از شروط اعمال صلاحیت شخصی منفعل توسط کشور متبوع قربانی، حضور متهم در داخل کشور است؛ بنابراین در صورتی می‌توان متهم را در کشور متبوع قربانی، محاکمه و مجازات کرد که در دسترس مقامات قضایی کشور مذکور باشد.

در نتیجه همان‌گونه که در مورد اصل صلاحیت شخصی فعال، امکان محاکمه غیابی متهم وجود ندارد، در اینجا هم این امکان وجود ندارد؛ چون اساساً اصل صلاحیت شخصی منفعل، یک امر فرعی و تکمیلی است و اصل بر آن است که دولتی که جرم در آن واقع شده است، به آن رسیدگی خواهد کرد. شرط مراجعت متهم به کشور، در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تصریح شده است.^۱

نتایج فصل

فاجعه منا در دوم مهر ماه ۱۳۹۴، در نتیجه سوء مدیریت دولت عربستان به وقوع پیوست و در اثر این فاجعه، جمع کثیری از حجاج بیت الله الحرام جان خود را از دست دادند و در این میان، سهم دولت جمهوری اسلامی ایران، بیش از سایر کشورها بود. با توجه به در دست نداشتن مستندات و دلایلی دال بر اینکه قصد دولت عربستان از قصور در انجام وظیفه، قتل حجاج بوده است، جنایات واقع شده را در چارچوب جنایات غیر عمدی، به دولت عربستان منتسب می‌کنیم. با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فضای بسیار بازی برای رسیدگی به

۱. حقوق جزای بین‌الملل، ص ۱۰۴.

این جنایات قرار داده است، حتی اگر در وقوع جنایات مذکور، مصداق بارزی از افعال را نداشته باشیم، همین که در وقوع این جنایات، ترک فعل‌هایی صورت گرفته است (باز نکردن مسیرهای مسدود شده، هدایت نکردن حجاج به سمت مسیرهای دیگر، اطلاع‌رسانی نکردن و...) هیچ ایرادی در مسئولیت مسببان حادثه ایجاد نمی‌کند. همچنین این مسئله که جنایات به تسبیب رخ داده و نه به مباشرت، بر اساس قانون مجازات اسلامی جدید، هیچ خللی در مسئولیت متهمان ایجاد نمی‌کند؛ زیرا طبق ماده ۴۹۲، جنایت اعم از این است که به مباشرت واقع شود یا تسبیب.

اگر ثابت شود که در وقوع این جنایت، اشخاص حقوقی و نه حقیقی، مقصر اصلی محسوب می‌شوند، قابل پیگرد هستند؛ زیرا تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است. در مورد صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جنایات واقع شده، ذکر این مطلب حائز اهمیت است که محاکم ایران، برای رسیدگی به صدماتی که در نتیجه فاجعه منا بر حجاج ایرانی در ایران واقع شده است، بر اساس ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، صلاحیت سرزمینی دارند.

همچنین با توجه به نوآوری و تحول بزرگی که برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران صورت گرفته، دادگاه‌های ایرانی برای رسیدگی به جرایمی که علیه حجاج ایرانی در منا واقع شده است، به موجب ماده ۸ قانون مجازات اسلامی، دارای صلاحیت شخصی منفعل هستند.^۱

پیشنهادات

با گذشت زمان و وجود ابهامات بسیار زیاد در خصوص علل وقوع فاجعه منا، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، متشکل از نمایندگان کشورهای حادثه‌دیده و بی‌طرف که در رأس آنها، کشور جمهوری اسلامی ایران باشد، بیش از پیش ضروری می‌نماید.

۱. سخنرانی دکتر محمدخلیل صالحی (عضو هیئت علمی دانشگاه قم) در همایش بررسی ابعاد کیفری فاجعه منا در

همچنین دولت عربستان سعودی باید اجازه ورود تیم حقیقت‌یاب به سرزمین عربستان برای بررسی فیلم‌ها و شواهد را بدهد. لازم است که این کمیته به بررسی این موضوع پردازد که دولت عربستان تا چه میزان در بروز چنین فاجعه‌ای مقصر بوده و آیا برای جلوگیری از آن اقدامات و پیشگیری‌های لازم را انجام داده بود یا خیر؟ از سوی دیگر قوه قضائیه ایران نیز بدون اینکه خود را درگیر مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی کند، باید مجدانه به پیگیری حقوقی این فاجعه از تمامی طرق ممکن، به خصوص از طریق محاکم داخلی پردازد. پیشنهادات نگارنده در پایان، پیگیری موارد ذیل می‌باشد که از ضروریات و مسلمات حج امسال است:

۱. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، متشکل از نمایندگان کشورهای آسیب‌دیده و برخی دیگر از کشورها به انتخاب و با مدیریت سازمان کنفرانس اسلامی.
۲. برخورد و مطالبه جدی دستگاه اجرایی ایران از حکومت سعودی، سازمان کنفرانس اسلامی، سایر مراجع حقوقی، اجرایی، منطقه‌ای، بین‌المللی و ...
۳. مطالبه جدی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی در مورد احقاق حقوق مادی، معنوی، فردی، اجتماعی و حکومتی ایران و تنبیه کامل خاطیان.
۴. ورود مقتدرانه نمایندگان ملت به موضوع در راستای نظارت دقیق و تدوین قوانین مناسب برای دفاع مؤثر از حقوق مردم و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
۵. برگزاری و تشکیل یک مجمع مؤثر از کشورهای اسلامی برای بررسی و پیشنهاد نحوه اداره حج و عمره، با همکاری تمامی کشورهای اسلامی با استفاده از نقاط قوت تجربه ایجاد سازمان ملل متحد.

